

بسم الله الرحمن الرحيم

راهنمای فتاوا

برخی از تفاوت‌های فتاواي

بنیانگذار جمهوری اسلامی آیت‌الله العظمی امام خمینی (قدس سره)
و رهبر معظم انقلاب اسلامی آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مد ظله العالی)

بهار ۱۳۹۰

مقدمه

درستی یا نادرستی اعمال مردم، بستگی به میزان شناخت آنان از مسائل شرعی و عمل کردن بر اساس آنهاست و یکی از راه‌های شناخت احکام دین پیروی از مجتهد جامع‌الشرایط است.

برای دستیابی به فتاوی مرجع تقلید میتوان به رساله‌ای که بازگوکننده نظرهای فقهی او باشد و به صحت آن اطمینان داشته باشیم مراجعه کنیم.

از آن‌جا که پس از رحلت آیت‌الله العظمی اراکی (قدس سره) بسیاری از مکلفین، در تقلید به رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (دام ظلّه) مراجعه کرده، لازم دیدیم تا با مراجعه به معتبرترین کتابی که حاوی فتاوی فقهی ایشان میباشد؛ یعنی رساله «اجوبه الاستفتائات» و برخی از سؤال‌هایی که از محضر معظم‌له شده و پاسخ فرموده‌اند تفاوت‌های فتاوی ایشان با فتاوی بنیان‌گذار جمهوری اسلامی حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی (قدس سره) را در یک مجموعه گرد آوریم تا دستیابی به آن‌ها برای مقلدین فارسی زبان ایشان و سایر علاقه‌مندان حاصل شود.

ناگفته نماند، که این نوشته عمدتاً دربردارنده تفاوت‌هایی است که در بخش عبادات بر آن‌ها دست یافته‌ایم، ولی امیدواریم با چاپ رساله کامل معظم‌له یا جلد‌های بعدی «اجوبه الاستفتائات» و به دست رسیدن نظرات فقهی ایشان در آینده آن موارد را بر این نوشته بیفزاییم، ان شاء الله.

ضمناً از بخش استفتائات دفتر مقام معظم رهبری که جدیدترین استفتائات معظم‌له را در اختیار ما گذاشته و زحمت تطبیق مسائل با آخرین نظرات ایشان را متحمل شدند، به‌ویژه

جناب حجت الاسلام والمسلمین حاج علی آقای مؤمن، صمیمانه تشکر میکنیم.

یادآوری:

۱. برخی از مواردی که در این نوشته آورده شده تفاوت فتوا نیست بلکه مطلبی اضافه یا توضیحی بر حکمی از احکام میباشد.
۲. مقلدان رهبر معظم انقلاب اسلامی میتوانند با ملاحظه موارد اختلاف فتوا که در این نوشته آمده به تکلیف خود عمل کنند و چنانچه در سایر موارد سؤالی پیش آمد از محضر ایشان استفتا کنند.
۳. فتاوی حضرت آیت الله العظمی امام خمینی (قدس سره) از کتابهای «تحریرالوسيله»، «توضیح المسائل» و «استفتاءات» چاپ انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و «العهود الوثقی» (دو جلدی) چاپ المكتبة العلمیة الاسلامیة و «مناسک حج» چاپ نشر مشعر ۱۳۸۹ آورده شده است.
۴. فتاوی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (دامت برکاته)، از کتاب «اجوبه الاستفتاءات» چاپ ۱۳۸۹ و «مناسک حج» چاپ نشر مشعر ۱۳۸۶ و برخی استفتاءات موجود در دفتر معظم له آورده شده است.
۵. امید است این نوشته رهگشای مؤمنان باشد و با پیشنهادها و نظرهای تکمیلی خود

راهنماییمان فرمایند.

رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

محمدحسین فلاح زاده؛ بهار ۱۳۹۰

فهرست مطالب:

طهارت

وضو

غُسل

تیمم

احکام اموات

نماز

قبله

وقت نماز

لباس نمازگزار

مکان نمازگزار

احکام مسجد

واجبات نماز

قیام

قرائت

رکوع

سجده

سجده واجب قرآن

تشهّد

نماز جماعت

نماز جمعه

نماز مسافر

نماز آیات

نماز قضا

نافله نماز

روزه

رؤیت هلال

مبطلات روزه

مسافرت در ماه رمضان

قضا و کفاره روزه

روزه قضای پدر و مادر

نذر

اعتکاف

خمس

چند استفتا از محضر رهبر معظم انقلاب (دام ظلّه) در مورد خمس

حجّ

استطاعت

نیابت

نگاه

نکاح

مجسمه‌سازی

ارث زوجه

چند استفتا از محضر مبارک آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (دام‌ظله)

تقلید

۱. از مجتهدی باید تقلید کرد که مرد و بالغ و عاقل و شیعه دوازده امامی و حلال‌زاده و زنده و عادل باشد و نیز بنا بر احتیاط واجب باید از مجتهدی تقلید کرد که حریص به دنیا نباشد و از مجتهدین زمان خود اعلم باشد.
(تحریرالوسیله، ج ۱، المقدمة، ص ۳، م ۳ و توضیح المسائل، م ۲)
(امام خامنه‌ای) در صورت تعدد فقهای جامع شرایط و اختلاف آنان در فتوا، بنا بر احتیاط واجب، مکلف باید از اعلم تقلید نماید مگر آن که احراز شود فتوای وی مخالف احتیاط و فتوای غیر اعلم موافق احتیاط است. [که در این صورت تقلید از اعلم، واجب نیست].
(اجوبه الاستفتائات، س ۲۰)
۲. اعلم کسی است که قواعد و مدارک مسأله را بهتر بشناسد و بر نظائر آن مسأله و اخبار اطلاع بیشتر داشته باشد و همچنین اخبار را بهتر بفهمد. و به‌طور خلاصه، آن کس که در استنباط احکام استادتر باشد.
(العروة الوثقی، ج ۱، الاجتهاد والتقلید، م ۱۷)
(امام خامنه‌ای) ملاک اعلمیت این است که آن مرجع نسبت به سایر مراجع قدرت بیشتری بر شناخت حکم الهی داشته باشد و بهتر بتواند احکام شرعیه را از أدله استنباط کند و همچنین نسبت به اوضاع زمان خود به مقداری که در تشخیص موضوعات احکام و ابراز نظر فقهی مؤثر است، آگاه‌تر باشد.
(اجوبه الاستفتائات، س ۱۶)

۳. مجتهد و اعلم را از سه راه می توان شناخت:

اول: آن که خود انسان یقین کند، مثل آن که از اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلم را بشناسد.

دوم: آن که دو نفر عالم عادل که می توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند، به شرط آن که دو نفر عالم عادل دیگر با گفته‌ی آنان مخالفت ننمایند.

سوم: آن که عده‌ای از اهل علم که می توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند و از گفته‌ی آنان اطمینان پیدا می‌شود، مجتهد بودن و یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند.

(توضیح المسائل، م ۳)

(امام خامنه‌ای) برای شناختن مجتهد حائز شرایط، باید خود مکلف اطمینان پیدا کند، چه از راه شهرت فراگیر مردم و چه از راه تجربه‌ی شخصی و چه از راه دیگر. و یا باید دو نفر خبره‌ی عادل به این مطلب شهادت دهند، هرچند موجب اطمینان نشود.

(استفتا، ۳)

۴. تقلید میّت ابتداءً جایز نیست ...

(تحریرالوسیله، ج ۱، المقدمة، ص ۵، م ۱۳ و توضیح المسائل، م ۹)

(امام خامنه‌ای) در تقلید ابتدایی، احتیاط در تقلید از مجتهد زنده و اعلم نباید ترک شود. (اجوبه الاستفتاءات، س ۲۲)

طهارت

۵. آب گر به حسب کیلوی متعارف بنا بر اقرب ۴۱۹/۳۷۷ کیلوگرم می‌باشد.

(توضیح المسائل، م ۱۶)

(امام خامنه‌ای) تقریباً ۳۸۴ لیتر می‌باشد.

(استفتا، ۲)

۶. غیر مسلمان از هر دین و مذهبی که باشد محکوم به نجاست است.

(تحریرالوسیله، ج ۱، القول فی النجاسات، ص ۱۰۶، العاشر و استفتاءات، ج ۱، ص ۱۰۲،

س ۲۶۷)

(امام خامنه‌ای) نجاست ذاتی اهل کتاب معلوم نیست، به نظر ما آنان، محکوم به طهارت ذاتی هستند. اهل کتاب عبارتند از: یهود، نصارا، زرتشتیه‌ها، صابئین.
(اجوبه الاستفتائات، س ۳۱۳ و ۳۱۶)

۷. فضله پرندگان حرام گوشت، نجس است.

(تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی النجاسات، ص ۱۰۲، م ۱ و توضیح المسائل، م ۸۵)
(امام خامنه‌ای) فضله پرندگان حرام گوشت نجس نیست.
(اجوبه الاستفتائات، س ۲۷۹)

۸. خونی که در تخم مرغ میباشد نجس نیست، ولی به احتیاط واجب باید از خوردن آن اجتناب کنند، و اگر خون را با زرده تخم مرغ به هم بزنند که از بین برود، خوردن زرده هم مانعی ندارد.

(تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی النجاسات، ص ۱۰۴، الخامس و توضیح المسائل، م ۹۸)
(امام خامنه‌ای) خون در تخم مرغ محکوم به طهارت است ولی خوردن آن حرام است.
(اجوبه الاستفتائات، س ۲۶۹)

۹. گوشت و پیه و چرمی که در بازار مسلمانان فروخته شود پاک است، و همچنین است اگر یکی از این‌ها در دست مسلمان باشد. ولی اگر بدانند آن مسلمان از کافر گرفته و رسیدگی نکرده که از حیوانی است که به دستور شرع کشته شده یا نه، نجس میباشد.

(توضیح المسائل، م ۹۵)

(امام خامنه‌ای) گوشت و چرم و سایر اجزای حیوانات که در محیط‌های اسلامی فروخته می‌شود پاک است و همچنین هرگاه این چیزها در اختیار مسلمان باشد محکوم به پاک بودن است. اما در صورتی که این چیزها از کشورهای غیر مسلمان تهیه شود اگر احتمال دهد که آن حیوان ذبح اسلامی شده است، پاک است و اگر یقین دارد که ذبح اسلامی نشده محکوم به نجاست است.

(استفتا، ۱۲)

۱۰. شراب و هر چیزی که انسان را مست میکند، چنانچه به خودی خود روان باشد نجس است.

(تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی النجاسات، ص ۱۰۶، الثامن و توضیح المسائل، م ۱۱۱)

(امام خامنه‌ای) مشروبات مست کننده، بنا بر احتیاط نجس است.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۳۰۱)

۱۱. چیزی که با برخورد نجاست نجس شده است اگر با چیز پاکی تماس پیدا کند آن را نیز نجس میکند و تا سه واسطه همچنان نجس کننده است ولی بیش از آن نجس کننده نیست.

(تحریرالوسیله، ج ۱، القول فی کیفیت التنجس بها [النجاسات]، ص ۱۱۱، م ۹)
(امام خامنه‌ای) چیزی که با عین نجس، تماس یافته و نجس شده است، اگر باز با چیزی پاک است تماس بیابد و یکی از آنها تر باشد، آن چیز پاک را نجس میکند، و باز این چیزی که بر اثر ملاقات با متنجس، نجس شده است اگر با چیز پاکی برخورد نماید بنا بر احتیاط واجب آن را نجس میکند، ولی این متنجس سوم هیچ چیزی را با ملاقات خود، نجس نمیکند.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۲۸۳)

۱۲. نجاست هر چیز از سه راه ثابت میشود:

اول: آن که خود انسان یقین کند چیزی نجس است و اگر گمان داشته باشد چیزی نجس است، لازم نیست از آن اجتناب نماید، بنا بر این غذا خوردن در قهوه‌خانه و مهمان‌خانه‌هایی که مردمان لایبالی و کسانی که پاکی و نجسی را مراعات نمیکنند در آنها غذا میخورند اگر انسان یقین نداشته باشد غذایی را که برای او آورده‌اند نجس است، اشکال ندارد.

دوم: آن که کسی که چیزی در اختیار او است بگوید آن چیز نجس است، مثلاً همسر انسان یا نوکر یا کُلفت بگوید ظرف یا چیز دیگری که در اختیار او است نجس میباشد.

سوم: آن که دو مرد عادل بگویند چیزی نجس است، و نیز اگر یک نفر عادل هم بگوید چیزی نجس است، بنا بر احتیاط واجب، باید از آن چیز اجتناب کرد.

(توضیح المسائل، م ۱۲۱)

(امام خامنه‌ای) تا وقتی انسان یقین به نجس بودن چیزی پیدا نکند، لازم نیست آن را نجس به حساب بیاورد. ولی اگر کسی که آن چیز در اختیار اوست خبر بدهد که آن نجس

است یا دو شخص عادل به نجاست آن گواهی بدهند، آن چیز محکوم به نجاست است.
(استفتا، ۱۱)

۱۳. کیفیت تطهیر با آب قلیل: چنانچه چیزی - غیر از ظرف - با بول نجس شده باشد، باید دو بار شسته شود و احتیاط واجب آن است که این دو بار شستن غیر از شستن برای برطرف نمودن بول باشد. و چیزی که با غیر بول نجس شده چنانچه ظرف نباشد، بعد از برطرف کردن نجاست، یکبار شستن آن کفایت میکند و نباید به آن شستنی که نجاست را برطرف میکند اکتفا نمود، البته اگر آب بعد از برطرف کردن نجاست، همچنان به صورت مستمرّ جریان داشته باشد کفایت میکند؛ و در تطهیر با آب قلیل، جدا شدن غساله (آبی که با آن شسته شده است) از آن چیز نجس، معتبر است.

(تحریرالوسیله، ج ۱، فصل فی المطهّرات، ص ۱۱۴، اولها)

(امام خامنه‌ای) چیزی که بر اثر تماس با بول نجس شده است هرگاه پس از برطرف شدن عین نجاست دو مرتبه آب قلیل روی آن ریخته شود، پاک می‌شود و چیزی که با نجاست دیگر تماس یافته و نجس شده است، پس از برطرف شدن عین نجاست اگر یکمرتبه شسته شود پاک می‌شود.

(استفتا، ۲۱)

۱۴. ظرفی که به ولوغ (ریختن آب دهان) سگ در آب یا چیز روانی که در آن می‌باشد نجس شده باید اول، با خاکی که بنا بر احتیاط واجب پاک است، خاکمال شود و سپس دو بار با آب قلیل شسته شود و یا با آب کر و یا جاری بنا بر احتیاط واجب دو بار شسته شود. و اگر به غیر از ولوغ ولی با برخورد دهان سگ با آن مثل آن که سگ آن را لیسیده نجس شود، نیز بنا بر احتیاط واجب همین حکم را دارد.

(تحریرالوسیله، ج ۱، فصل فی المطهّرات، ص ۱۱۴، اولها)

(امام خامنه‌ای) ظرفی را که سگ در آن آب یا چیز روان دیگر خورده یا آن را لیسیده است باید اول با خاکمال شستشو کرد و سپس با آب شست. و اگر با آب قلیل شسته میشود باید پس از خاکمال، دو مرتبه شسته شود.

(استفتا، ۲۴)

۱۵. ظرفی را که خوک از آن چیز روانی بخورد، با آب قلیل باید هفت مرتبه شست، و در گُر و جاری نیز هفت مرتبه باید شست به احتیاط واجب، و لازم نیست آن را خاکمال کنند، اگرچه احتیاط مستحب آن است که خاکمال شود و نیز لیسیدن خوک ملحق است به آب خوردن به احتیاط واجب.

(توضیح المسائل، م ۱۵۲)

(امام خامنه‌ای) ظرفی که در آن خوک، غذای روان یا آب بخورد، باید هفت مرتبه شسته شود ولی خاکمال آن لازم نیست.

(استفتا، ۲۵)

۱۶. ... [کف پا و ته کفش] اگر به واسطه غیر راه رفتن نجس شده باشد، پاک شدنش به واسطه راه رفتن اشکال دارد. برای پاک شدن کف پا و ته کفش، بهتر است پانزده قدم یا بیشتر راه بروند، اگرچه به کمتر از پانزده قدم یا مالیدن پا به زمین، نجاست برطرف شود.

(توضیح المسائل، م ۱۸۳ و م ۱۸۵)

(امام خامنه‌ای) کسی که بر اثر راه رفتن روی زمین، کف پا یا کفش او با نجاستی تماس یافته و نجس شده است، هرگاه تقریباً به قدر ده قدم روی زمین خشک و پاک راه برود، کف پا یا ته کفشی که نجس شده است پاک میشود، مشروط به این که عین نجاست زائل شود.

(اجوبه الاستفتائات، س ۸۰)

۱۷. آفتاب، زمین و ساختمان و چیزهایی که مانند درب و پنجره در ساختمان به کار برده شده، و همچنین میخی را که به دیوار کوبیده‌اند و جزء ساختمان حساب میشود با شش شرط پاک میکند:

اول: آن که چیز نجس به طوری تَر باشد که اگر چیز دیگری به آن برسد تَر شود، پس اگر خشک باشد باید به وسیله‌ای آن را تَر کنند تا آفتاب خشک کند.

دوم: آن که اگر عین نجاست در آن چیز باشد پیش از خشک شدن به آفتاب آن را برطرف کنند.

سوم: آن که چیزی از تابیدن آفتاب جلوگیری نکند، پس اگر آفتاب از پشت پرده یا ابر و مانند این‌ها بتابد و چیز نجس را خشک کند، آن چیز پاک نمیشود، ولی اگر

ابر به قدری نازک باشد که از تابیدن آفتاب جلوگیری نکند اشکال ندارد.
چهارم: آن که آفتاب به تنهایی چیز نجس را خشک کند پس اگر مثلاً چیز نجس
بواسطه باد و آفتاب خشک شود پاک نمیگردد، ولی اگر باد به قدری کم باشد که
نگویند به خشک شدن چیز نجس کمک کرده، اشکال ندارد.

پنجم: آن که آفتاب مقداری از بنا و ساختمان را که نجاست به آن فرو رفته، یک
مرتبه خشک کند، پس اگر یک مرتبه بر زمین و ساختمان نجس بتابد و روی آن را
خشک کند، و دفعه دیگر زیر آن را خشک نماید، فقط روی آن پاک میشود و زیر آن
نجس میماند.

ششم: آن که ما بین روی زمین یا ساختمان که آفتاب به آن میتابد با داخل آن،
هوا یا جسم پاک دیگری فاصله نباشد.

(تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی المطهرات، ص ۱۱۷، ثالثها و توضیح المسائل، م ۱۹۱)
(امام خامنه‌ای) آفتاب، زمین و ساختمان را پاک میکند، همچنین هر چیزی را که جزء
ساختمان محسوب شود مانند در و پنجره و دیوار و ستون و امثال آن و نیز درخت و گیاه را.
شرط پاک شدن اشیای نامبرده به وسیله آفتاب آن است که عین نجاست در آن نباشد، و تر
باشد، و آفتاب به آن بتابد و به وسیله آفتاب خشک شود.

(استفتا، ۲۷ و ۲۸)

۱۸. پاک کننده دهم، غایب شدن مسلمان است که موجب طهارت خود انسان و
لباس و فرش و ظرف و هر چیز دیگری است که در اختیار او میباشد که با آنها
معامله پاک بودن میشود مگر علم به بقای نجاست داشته باشیم و بعید نیست که
هیچ شرط دیگری معتبر نباشد بنابراین حکم به طهارت جاری است چه آن فرد آگاه
به نجاست بوده یا نبوده، اعتقاد به نجاست آن شیء نجس داشته یا نداشته باشد،
لابالی در دین باشد یا نباشد. لکن در هر صورت احتیاط پسندیده است.

(تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی المطهرات، ص ۱۱۹، عاشرها)

(امام خامنه‌ای) هرگاه یقین داشته که بدن یا لباس یا یکی از چیزهای شخص مسلمانی
نجس است و آن مسلمان را مدتی نبیند و سپس ببیند که او با آن چیزی که نجس بوده است
رفتار چیز پاک را میکند، آن چیز محکوم به پاکی است مشروط به این که صاحب آن چیز از

نجاست قبلی و از احکام طهارت و نجاست باخبر باشد.

(استفتا، ۳۲)

۱۹. مخرج بول با غیر آب پاک نمیشود، و مردها اگر بعد از برطرف شدن بول یک مرتبه بشویند کافی است، ولی زن‌ها و همچنین کسانی که بولشان از غیر مجرای طبیعی می‌آید، احتیاط واجب آن است که دو مرتبه بشویند.

(تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱۵، فصل فی الاستنجاء، م ۱ و توضیح المسائل، م ۶۶)

(امام خامنه‌ای) برای طهارت مخرج بول با آب قلیل دو بار شستن بنا بر احتیاط لازم است.

(اجوبه الاستفتائات، س ۹۰)

۲۰. هرگاه با سنگ و کلوخ و مانند این‌ها غائط را از مخرج برطرف کنند، اگرچه پاک شدنش محل تأمل است ولی نماز خواندن مانعی ندارد و چنانچه چیزی هم به آن برسد نجس نمیشود، و ذره‌های کوچک و لزوجت محل، اشکال ندارد.

(توضیح المسائل، م ۶۵ و ۶۸)

(امام خامنه‌ای) مخرج مدفوع را به دو گونه میشود تطهیر کرد: ... دوّم آن که با سه قطعه سنگ یا پارچه پاک و امثال آن، نجاست را پاک نماید و اگر با سه قطعه، نجاست زائل نشد با قطعات دیگری آن را کاملاً پاک کنند.

(اجوبه الاستفتائات، س ۹۹)

وضو

۲۱. ادر وضو بعد از مسح سر باید با تری آب وضو که در دست مانده روی پاها را از سر یکی از انگشت‌ها تا بر آمدگی روی پا مسح کند و احتیاط مستحب است تا مفصل ساق را مسح کند.

(تحریرالوسیله، ج ۱، فصل فی الوضوء، ص ۲۰، م ۱۵ و توضیح المسائل، م ۲۵۲)

(امام خامنه‌ای) باید مسح پا را تا مفصل ساق بکشند.

(اجوبه الاستفتائات، س ۱۰۶ و ۱۱۱)

۲۲. باید صورت را بنا بر احتیاط واجب از بالا به پایین شست و اگر از پایین به بالا بشوید وضو باطل است و دست‌ها را باید از مرفق به طرف سرانگشتان بشوید.

(تحریرالوسیله، ج ۱، فصل فی الوضوء، ص ۱۷، م ۲ و توضیح المسائل، م ۲۴۳)

(امام خامنه‌ای) صورت و دست‌ها در وضو باید از بالا به پایین شسته شود و اگر از پایین به بالا بشوید وضو باطل است.
(استفتا، ۴۶)

۲۳. در وضو، شستن صورت و دست‌ها، مرتبه اول واجب و مرتبه دوم جایز و مرتبه سوم و بیشتر از آن حرام می‌باشد، و اگر با یک مشت آب تمام عضو شسته شود و به قصد وضو بریزد یک مرتبه حساب می‌شود چه قصد بکند یک مرتبه را یا قصد نکند.

(توضیح المسائل، م ۲۴۸)

(امام خامنه‌ای) شستن صورت و دست‌ها در وضو بار اول واجب و بار دوم جایز و بیش از آن غیر مشروع است. تعیین‌کننده بار اول یا دوم یا بیشتر، قصد وضو گیرنده است، یعنی می‌تواند به قصد بار اول شستن، چند مرتبه آب به روی صورت بریزد.
(استفتا، ۴۷ و اجوبه الاستفتائات، س ۱۰۲)

۲۴. بعد از شستن هر دو دست باید جلوی سر را با تری آب وضو که در دست مانده مسح کند، و لازم نیست با دست راست باشد یا از بالا به پایین مسح کند.

(تحریرالوسیله، ج ۱، فصل فی الوضوء، ص ۱۹، م ۱۴ و توضیح المسائل، م ۲۴۹)

(امام خامنه‌ای) مسح سر و پاها، باید با رطوبتی که از آب وضو در دست‌ها مانده، کشیده شود، و احتیاط آن است که مسح سر با دست راست کشیده شود، ولی کشیدن مسح از بالا به پایین لازم نیست.

(استفتا، ۴۸)

۲۵. اگر برای مسح، رطوبتی در کف دست نمانده باشد نمیتواند دست را با آب خارج، تر کند، بلکه باید از اعضای دیگر وضو رطوبت بگیرد و با آن مسح نماید.

(تحریرالوسیله، ج ۱، فی واجبات الوضوء، ص ۲۰، م ۱۷)

(امام خامنه‌ای) اگر برای مسح، رطوبتی در کف دست نمانده باشد، نمی‌تواند دست را با آب تر کند، بلکه باید دست را با رطوبتی که در ریش یا ابرو هست مرطوب کند و مسح کند.

(استفتا، ۵۲)

۲۶. اگر زخم یا شکستگی در صورت و دست‌ها است و روی آن باز است و آب ریختن روی آن ضرر دارد اگر اطراف آن را بشوید کافی است ولی چنانچه

کشیدن دست تَر بر آن ضرر ندارد بهتر آن است که دست تَر بر آن بکشد و بعد پارچه پاکی روی آن بگذارد و دست تَر را روی پارچه هم بکشد و اگر این مقدار هم ضرر دارد یا زخم نجس است و نمیشود آب کشید باید اطراف زخم را به طوری که در وضو گفته شد از بالا به پایین بشوید و بنا بر احتیاط مستحب پارچه پاکی روی زخم بگذارد و دست تَر روی آن بکشد و اگر گذاشتن پارچه ممکن نیست شستن اطراف زخم کافی است و در هر صورت تیمّم لازم نیست.

(توضیح المسائل، م ۳۲۵)

(امام خامنه‌ای) اگر در اعضای وضو زخم یا شکستگی باشد و روی آن باز باشد و آب برای آن مضر نباشد، باید آن را بشوید و اگر شستن برای آن مضر است باید اطراف آن را بشوید و احتیاط آن است که اگر کشیدن دست تَر بر آن ضرر ندارد، دست تَر روی آن بکشد.

(استفتا، ۷۹)

۲۷. اگر زخم یا دُمَل یا شکستگی در جلوی سر یا روی پاهاست و روی آن باز است، چنانچه نتواند آن را مسح کند، باید پارچه پاکی روی آن بگذارد و روی پارچه را با تری آب وضو که در دست مانده مسح کند، و بنا بر احتیاط مستحب تیمّم هم بنماید و اگر گذاشتن پارچه ممکن نباشد باید به جای وضو تیمّم کند و بهتر است یک وضوی بدون مسح هم بگیرد.

(توضیح المسائل، م ۳۲۶)

(امام خامنه‌ای) اگر محل مسح زخم است و نمیتواند روی آن دست تَر بکشد باید به جای وضو تیمّم کند ولی در صورتی که میتواند پارچه‌ای روی زخم قرار دهد و بر آن دست بکشد احتیاط آن است که علاوه بر تیمّم، وضو نیز با چنین مسحی بگیرد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۳۶)

۲۸. به کار بردن ظرف طلا و نقره در خوردن و آشامیدن و دیگر موارد از قبیل وضو گرفتن، غسل نمودن و غیر اینها حرام است. ولی نگهداشتن و استعمال آنها در زینت اطاق حرام نمیشود.

(تحریر الوسیله، ج ۱ القول فی الاوانی، ص ۱۲۰، م ۲، و توضیح المسائل، م ۲۲۶)

(امام خامنه‌ای) خوردن و آشامیدن در ظرفی که از طلا یا نقره ساخته شده، حرام است

لیکن نگهداشتن آن یا استفاده‌های دیگر از آن - غیر از خوردن و آشامیدن - حرام نیست.
(استفتا، ۴۰)

غُسل

۲۹. هرگاه به خیال این‌که به اندازه غسل و نماز وقت دارد برای نماز غسل کند، اگرچه بعد از غسل بفهمد که به اندازه غسل وقت نداشته غسل او صحیح است.
(توضیح المسائل، م ۳۸۷)

(امام خامنه‌ای) کسی که در تنگی وقت نماز، غسل می‌کند اگر غسل را به این نیت بکند که از جنابت خارج شود - نه به نیت خصوص این نماز - نماز او صحیح است اگرچه پس از غسل بفهمد که وقت برای نماز نداشته است.
(استفتا، ۹۹)

۳۰. از جمله کارهایی که بر جنب حرام است، خواندن سوره‌هایی از قرآن است که سجده واجب دارد، یعنی سوره ۳۲ (الم تنزیل)، سوره ۴۱ (حم سجده)، سوره ۵۳ (والنجم) و سوره ۹۶ (اقراء)؛ و اگر یک حرف از این چهار سوره را هم بخواند حرام است، حتی گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» به قصد خواندن یکی از این چهار سوره، حرام است.

(تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی احکام الجنب، ص ۳۴، الخامس و توضیح المسائل، م ۳۵۵)
(امام خامنه‌ای) از جمله کارهایی که بر جنب حرام است، خواندن خصوص آیات سجده* این سوره‌ها است، ولی خواندن سایر آیات از این سوره‌ها اشکال ندارد.
* یعنی آیه ۱۵ از سوره ۳۲، آیه ۳۷ از سوره ۴۱، آیه ۶۲ از سوره ۵۳ و آیه ۱۹ از سوره ۹۶.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۹۹)

۳۱. اگر از بدن زنده قسمتی که دارای استخوان است جدا شود و پیش از آن‌که قسمت جدا شده را غسل دهند، انسان آن را مسّ نماید، باید غسل مسّ میت کند. ولی اگر قسمتی که جدا شده استخوان نداشته باشد برای مسّ آن غسل واجب نیست، و از بدن مرده‌ای که غسلش نداده‌اند اگر چیزی جدا شود که در حال اتصال، مسّ آن موجب غسل میشود، بعد از انفصال نیز، مسّ آن موجب غسل است.

(تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی غسل مس المیت، ص ۵۷، م ۴ و توضیح المسائل، م ۵۲۸)

(امام خامنه‌ای) دست زدن به عضوی که از بدن مرده جدا شده - پس از سرد شدن و پیش از غسل دادن - در حکم دست زدن به بدن مرده است؛ ولی دست زدن به عضوی که از بدن شخص زنده جدا شده است، غسل ندارد.

(استفتا، ۱۰۳)

۳۲. زن‌های سیّده بعد از تمام شدن شصت سال یائسه میشوند یعنی خون حیض نمی‌بینند و زن‌هایی که سیّده نیستند، بعد از تمام شدن پنجاه سال یائسه میشوند.

(توضیح المسائل، م ۴۳۵)

(امام خامنه‌ای) تعیین سن یائسگی محل تأمل و احتیاط است؛ بانوان میتوانند در این مسأله به مجتهد جامع‌الشرایط دیگر مراجعه نمایند.

(اجوبه الاستفتائات، س ۲۱۶)

تیمّم

۳۳. در تیمّم چهار چیز واجب است: اوّل: نیت. دوّم: زدن کف دو دست با هم بر چیزی که تیمّم به آن صحیح است. سوّم: کشیدن کف هر دو دست به تمام پیشانی و دو طرف آن، از جایی که موی سر می‌روید، تا ابروها و بالای بینی و بنا بر احتیاط واجب باید دست‌ها روی ابروها هم کشیده شود. چهارم: کشیدن کف دست چپ به تمام پشت دست راست و بعد از آن کشیدن کف دست راست به تمام پشت دست چپ. تیمّم بدل از غسل و بدل از وضو با هم فرقی ندارد.

(تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی کیفیت التیمّم، ص ۹۷، م ۱ و توضیح المسائل، م ۷۰۰ و ۷۰۱)
(امام خامنه‌ای) تیمّم بدین ترتیب است: نیت میکند و سپس کف هر دو دست را بر چیزی که تیمّم به آن درست است می‌زند و آنگاه کف هر دو دست را به تمام پیشانی و دو طرف آن، از جایی که موی سر می‌روید تا ابروها و بالای بینی میکشد و بالاخره کف دست چپ را بر تمام پشت دست راست و کف دست راست را بر تمام پشت دست چپ میکشد. و احتیاط واجب آن است که پس از این، بار دیگر دست‌های خود را بر زمین بزند و کف دست چپ را بر پشت دست راست و کف دست راست را بر پشت دست چپ بکشد، این ترتیب در تیمّم بدل از وضو و غسل یکسان است.

(اجوبه الاستفتائات، س ۲۰۹)

۳۴. اگر خاک و ریگ و کلوخ و سنگ پیدا نشود، باید به گرد و غباری که روی

فرش و لباس و مانند این‌هاست تیمم نماید و اگر غبار در لای لباس و فرش باشد تیمم به آن صحیح نیست مگر آن که اول دست بزند تا روی آن غبار آلود شود بعد تیمم کند و چنانچه گرد پیدا نشود، باید به گل تیمم کند، و اگر گل هم پیدا نشود، احتیاط مستحب آن است که نماز را بدون تیمم بخواند و بنا بر احتیاط بعداً قضای آن را به جا آورد.

(توضیح المسائل، م ۶۸۶)

(امام خامنه‌ای) اگر چیزهایی که گفته شد پیدا نشود باید به گرد و غباری که بر روی فرش و لباس و امثال آن نشسته است تیمم کند و اگر آن نیز پیدا نشود ولی گل تر در دسترس باشد باید به آن تیمم کند و در صورتی که به هیچ‌یک از این‌ها [چیزهایی که تیمم بر آن صحیح است] دسترسی نباشد - مانند کسی که در هواپیما و امثال آن است - بنا بر احتیاط باید نماز را در وقت بدون وضو و تیمم بخواند و سپس با وضو یا تیمم قضا کند. (استفتا، ۱۳۳)

۳۵. تیمم بر سنگ گچ و سنگ مرمر سیاه و سایر اقسام سنگ‌ها صحیح است ولی تیمم بر جواهر، مثل سنگ عقیق و فیروزه باطل می‌باشد و احتیاط واجب آن است که با بودن خاک یا چیز دیگری که تیمم بر آن صحیح است، به گچ و آهک پخته هم تیمم نکند.

(تحریر الوسیله، ج ۱، القول فیما یتیمم به، ص ۹۵، م ۱ و توضیح المسائل، م ۶۸۵)

(امام خامنه‌ای) تیمم بر هر آنچه از زمین محسوب شود مانند سنگ گچ و سنگ آهک، صحیح است؛ و بعید نیست تیمم بر گچ و آهک پخته و آجر و امثال آن‌ها هم صحیح باشد. [یعنی میشود بر این‌ها تیمم کرد]. (اجوبه الاستفتائات، س ۲۱۰)

(امام خامنه‌ای) سجده و تیمم بر سیمان و موزائیک اشکال ندارد، اگرچه احوط ترک تیمم بر سیمان و موزائیک است. (اجوبه الاستفتائات، س ۴۸۹)

۳۶. در تیمم باید پیشانی و کف دست‌ها و پشت دست‌ها پاک باشد و اگر کف دست نجس است و نتواند آن را آب بکشد، باید با همان کف دست نجس تیمم کند. (تحریر الوسیله، ج ۱، القول فیما یعتبر فی التیمم، ص ۹۸، م ۱ و توضیح المسائل، م ۷۲۴)

(امام خامنه‌ای) احتیاط آن است که در صورت امکان، پیشانی و پشت دست‌ها پاک باشد و اگر نتواند محل تیمم را تطهیر کند، بدون آن تیمم کند، هر چند بعید نیست که طهارت در هر صورت شرط نباشد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۲۱۱)

۳۷. اگر بدل از غسل تیمم کند و بعد کاری که وضو را باطل میکند برای او پیش آید، چنانچه برای نمازهای بعد نتواند غسل کند، باید وضو بگیرد، و اگر نمیتواند وضو بگیرد، باید بدل از وضو تیمم نماید.

(تحریرالوسیله، ج ۱، القول فی احکام التیمم، ص ۱۰۱، م ۵ و توضیح المسائل، م ۷۲۴)
(امام خامنه‌ای) کسی که تیمم بدل از غسل کرد اگر حدث اصغر از او سرزند؛ مثلاً بول کند، برای نمازهای بعد در صورتی که هنوز نمیتواند غسل کند، بنا بر احتیاط واجب باید بار دیگر تیمم بدل از غسل کند و وضو هم بگیرد.

(استفتا، ۱۴۷)

۳۸. اگر انسان نتواند برای نماز وضو بگیرد و تیمم هم ممکن نباشد نماز ساقط است، ولی احتیاط مستحب آن است که نماز را در وقت بدون طهارت بخواند و بنا بر احتیاط واجب قضای آن را نیز به‌جا آورد.

(تحریرالوسیله، ج ۱، القول فیما یتیمم به، ص ۹۷، م ۷)
(امام خامنه‌ای) اگر انسان نتواند برای نماز وضو بگیرد و تیمم هم ممکن نباشد، بنا بر احتیاط باید نماز را در وقت، بدون وضو و تیمم بخواند و سپس با وضو یا تیمم قضا کند.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۲۱۲)

۳۹. اگر به‌واسطه یقین یا ترس ضرر، تیمم کند و پیش از نماز بفهمد که آب برایش ضرر ندارد، تیمم او باطل است. و اگر بعد از نماز بفهمد، نمازش صحیح است.

(توضیح المسائل، م ۶۷۲)

(امام خامنه‌ای) اگر کسی به تصور این که آب برای او ضرر دارد، تیمم کند و پیش از آن که با این تیمم نماز بخواند بفهمد که ضرر ندارد، تیمم او باطل است و اگر بعد از آن که با این تیمم نماز خواند فهمید که آب ضرر نداشته است بنا بر احتیاط واجب باید وضو بگیرد یا غسل کند و دوباره نماز را به‌جا آورد.

(استفتا، ۱۲۹)

احکام اموات

۴۰. مسلمانی را که محتضر است؛ یعنی در حال جان دادن میباشد - مرد باشد یا زن، بزرگ باشد یا کوچک - باید به پشت بخوابانند به طوری که کف پاهایش به طرف قبله باشد.

(تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی احکام الاموات، ص ۵۸، م ۲ و توضیح المسائل، م ۵۳۳)
(امام خامنه‌ای) شایسته است که شخص مسلمان را در حال احتضار به پشت و به سمت قبله بخوابانند، به طوری که کف پای او به جانب قبله باشد. بسیاری از فقها این عمل را برخورد محتضر - در صورتی که قادر باشد - و بر دیگران واجب دانسته‌اند و احتیاط در انجام آن ترک نشود.

(اجوبه الاستفتائات، س ۲۵۳)

۴۱. غسل و کفن و نماز و دفن مسلمانان دوازده امامی بر هر مکلفی واجب است و اگر بعضی انجام دهند، از دیگران ساقط میشود و چنانچه هیچ کس انجام ندهد همه معصیت کرده‌اند و بنا بر احتیاط واجب حکم مسلمانی هم که دوازده امامی نیست همین طور است.

(توضیح المسائل، م ۵۴۲)

(امام خامنه‌ای) غسل و کفن و نماز و دفن مسلمان، بر هر مکلفی واجب است، و هنگامی که بعضی آن را انجام دادند از دیگران ساقط میشود و اگر هیچ کس به این وظیفه عمل نکند همه معصیت کرده‌اند.

(استفتا، ۱۰۶)

۴۲. کسی که میت را غسل میدهد، باید مسلمان دوازده امامی و عاقل باشد و مسائل غسل را هم بداند و بنا بر احتیاط واجب بالغ باشد.

(توضیح المسائل، م ۵۵۵)

(امام خامنه‌ای) کسی که میت را غسل میدهد، باید مسلمان دوازده امامی و بالغ و عاقل باشد و مسائل غسل را بداند.

(استفتا، ۱۱۰)

۴۳. میت مسلمان را باید با سه پارچه که آنها را لنگ و پیراهن و سرتاسری میگویند کفن نمایند. لنگ باید از ناف تا زانو، اطراف بدن را بپوشاند و بهتر آن است

که از سینه تا روی پا برسد و بنا بر احتیاط واجب پیراهن باید از سر شانه تا نصف ساق پا، تمام بدن را بپوشاند، و درازای سرتاسری باید به قدری باشد که بستن دو سر آن ممکن باشد، و پهنای آن باید به اندازه‌ای باشد که یک طرف آن روی طرف دیگر بیاید.

(توضیح المسائل، م ۵۷۰ و ۵۷۱)

(امام خامنه‌ای) میّت مسلمان را باید با سه قطعه پارچه کفن کنند، اول لنگ که به کمر و پای او پیچیده میشود، دوم پیراهن که از سر شانه تا ساق پا را از جلو و پشت میپوشاند و سوم پوشش سرتاسری که باید از بالای سر تا پایین پا را بپوشاند به طوری که بستن دو سر آن میسر باشد و پهنای آن به قدری باشد که دو طرف آن روی هم گذاشته شود.
(استفتا، ۱۱۷)

نماز

قبله

۴۴. اگر برای پیدا کردن قبله وسیله‌ای ندارد یا با این که کوشش کرده، گمانش به طرفی نمی‌رود، چنانچه وقت نماز وسعت دارد، باید چهار نماز به چهار طرف بخواند و اگر به اندازه چهار نماز وقت ندارد، باید به اندازه‌ای که وقت دارد، نماز بخواند. مثلاً اگر فقط به اندازه یک نماز وقت دارد باید یک نماز به هر طرفی که میخواهد بخواند. و باید نمازها را طوری بخواند که یقین کند یکی از آنها رو به قبله بوده یا اگر از قبله کج بوده، به طرف دست راست و دست چپ قبله نرسیده است.

(توضیح المسائل، م ۷۸۴)

(امام خامنه‌ای) کسی که هیچ راهی برای یافتن جهت قبله ندارد و گمانش هم به هیچ طرف نمی‌رود، بنا بر احتیاط باید به چهار طرف نماز بخواند و اگر برای چهار نماز وقت ندارد، به هر اندازه که وقت دارد نماز بخواند.

(اجوبه الاستفتائات، س ۳۶۸)

وقت نماز

۴۵. س: رأی مبارک که درباره موضوع فجر صادق در شبهای مهتابی بر این است که قدری تأمل شود تا سپیده فجر بر مهتاب غلبه نماید، آیا باز فتوای شریفه بر این

منوال است؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، چند دقیقه قابل تأمل است و شب‌های مهتابی چند شب در ماه می‌باشد؟

ج: میزان، شب‌هایی است که روشنایی ماه بر طلوع فجر غالب است و باید برای نماز صبر کند تا روشنایی طلوع فجر احراز شود.

(استفتاءات، ج ۱، ص ۱۳۱، س ۱۹)

(امام خامنه‌ای) س: با توجه به این که امروزه با فراوانی ساعت، یقین به طلوع فجر ممکن است، آیا باید در شب‌های مهتابی برای خواندن نماز صبح، به مدت ۱۵ تا ۲۰ دقیقه صبر کرد؟

ج: فرقی بین شب‌های مهتابی و غیر مهتابی در طلوع فجر، وقت فریضه صبح و وجوب امساک برای روزه گرفتن نیست، هرچند احتیاط در این زمینه خوب است.

(اجوبه‌الاستفتاءات، س ۳۵۴)

(امام خامنه‌ای) - مقتضی است مؤمنین محترم (آیدهم‌الله‌تعالی) جهت رعایت احتیاط در مورد امساک روزه و وقت نماز صبح هم‌زمان با شروع اذان صبح از رسانه‌ها برای روزه امساک نمایند و حدود پنج الی شش دقیقه بعد از اذان شروع به ادای فریضه صبح نمایند.

(اجوبه‌الاستفتاءات، س ۳۶۲)

۴۶. نماز ظهر و عصر هر کدام وقت مخصوص و مشترکی دارند: وقت مخصوص نماز ظهر از اول ظهر است تا وقتی که از ظهر به اندازه خواندن نماز ظهر بگذرد، و وقت مخصوص نماز عصر موقعی است که به اندازه خواندن نماز عصر، وقت به مغرب مانده باشد.

(تحریرالوسیله، ج ۱، فی اعداد الفرائض ومواقیت الیومیة ونوافلها، ص ۱۲۴، م ۶ و توضیح المسائل، م ۷۳۱)

(امام خامنه‌ای) آخر وقت نماز عصر تا غروب آفتاب است.

(استفتا، ۱۵۳ و اجوبه‌الاستفتاءات، س ۳۴۶)

۴۷. وقتی انسان میتواند مشغول نماز شود، که یقین کند وقت داخل شده است، یا دو مرد عادل به داخل شدن وقت خبر دهند. ولی اذان مؤذن هرچند عادل از روی حسن^۱ و وقت شناس باشد، بنا بر احتیاط واجب کفایت نمیکند.

(تحریرالوسیله، ج ۱، فی اعداد الفرائض ومواقیت الیومیة ونوافلها، ص ۱۲۷، م ۱۶ و توضیح

(امام خامنه‌ای) برای ورود در نماز باید انسان یقین و یا اطمینان کند که وقت داخل شده است و یا دو مرد عادل خبر دهند که وقت داخل شده است و یا مؤذن مورد وثوق و وقت‌شناس، اذان بگوید.

(استفتا، ۱۶۱، و اجوبه الاستفتائات، س ۳۵۹)

۴۸. اگر پیش از خواندن نماز ظهر، سهواً مشغول نماز عصر شود و در بین نماز بفهمد اشتباه کرده است، چنانچه در وقت مشترک باشد باید نیت را به نماز ظهر برگرداند؛ یعنی نیت کند که آنچه تا حال خوانده‌ام و آنچه را مشغولم و آنچه بعد میخوانم همه نماز ظهر باشد و بعد از آن که نماز را تمام کرد، نماز عصر را بخواند و اگر در وقت مخصوص به ظهر باشد باید نیت را به نماز ظهر برگرداند و نماز را تمام کند و بعد نماز عصر را بخواند و احتیاط آن است که دوباره نماز [ظهر و] عصر را هم بعد از آن بخواند و این احتیاط خیلی خوب است.

(تحریرالوسیله، ج ۱، فی اعداد الفرائض و مواقیب الیومیة و نوافلها، ص ۱۲۵، م ۸ و توضیح

المسائل، م ۷۳۲)

(امام خامنه‌ای) اگر به خیال این که نماز ظهر را خوانده است به نیت نماز عصر مشغول نماز شود و در بین نماز بفهمد که قبلاً نماز ظهر را نخوانده است، در صورتی که در وقت مشترک نماز ظهر و عصر است، باید بلافاصله نیت خود را به نماز ظهر برگرداند و نماز را تمام کند و پس از آن، نماز عصر را به‌جا آورد. و اگر این اتفاق در وقت مخصوص به نماز ظهر^۱ افتاده باشد، احتیاط واجب آن است که نیت را به نماز ظهر برگرداند و نماز را تمام کند ولی بعداً هر دو نماز (ظهر و عصر) را به ترتیب به‌جای آورد. و همین تکلیف در مورد نماز مغرب و عشا نیز هست.

(اجوبه الاستفتائات، س ۳۶۴)

لباس نمازگزار

۴۹. اگر نداند یا فراموش کند که لباس او غصبی است و با آن نماز بخواند، نمازش

۱ وقت مخصوص نماز ظهر، یعنی از اوّل ظهر به‌قدر چهار رکعت نماز خواندن برای غیر مسافر و به‌قدر دو رکعت برای مسافر.

صحیح است. ولی اگر خودش آن لباس را غصب کرده باشد و بعداً فراموش کرده و با آن نماز خوانده، به احتیاط واجب باید آن نماز را اعاده کند.

(توضیح المسائل، م ۸۱۷)

(امام خامنه‌ای) اگر نداند یا فراموش کند که لباس او غصبی است و با آن نماز بخواند، نمازش صحیح است.

(استفتا، ۱۸۱)

۵۰. اگر با عین پولی که خمس یا زکات آن را نداده لباس بخرد، نماز خواندن در آن لباس باطل است و همچنین است اگر به ذمه بخرد و در موقع معامله قصدش این باشد که از پولی که خمس یا زکاتش را نداده بدهد.

(توضیح المسائل، م ۸۲۰)

(امام خامنه‌ای) اگر با عین مالی که خمس یا زکات آن را نداده است، لباس بخرد نماز خواندن در آن لباس باطل است.

(استفتا، ۱۸۲)

۵۱. کسی که نمیداند با بدن و لباس نجس نماز باطل است و مقصر در ندانستن حکم مسأله باشد اگر با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، نمازش باطل میباشد.

(توضیح المسائل، م ۸۰۰)

(امام خامنه‌ای) کسی که نمی‌داند نماز با بدن و لباس نجس، باطل است اگر با بدن یا لباس نجس نماز بخواند نماز باطل می‌باشد.

(استفتا، ۱۷۷)

۵۲. زینت کردن به طلا، مثل آویختن زنجیر طلا به سینه و انگشتر طلا به دست کردن و بستن ساعت مچی طلا به دست، برای مرد حرام و نماز خواندن با آن‌ها باطل است و احتیاط واجب آن است که از استعمال عینک طلا هم خودداری کند.

(تحریر الوسیله، ج ۱، المقدمة الثالثة فی الستر والساتر، ص ۱۳۱، الرابع و توضیح المسائل، م ۸۳۲)

(امام خامنه‌ای) آویختن زنجیر طلا و دست کردن انگشتر طلا و بستن ساعت مچی طلا برای مردان حرام است و بنا بر احتیاط واجب نماز با آن باطل است.

(استفتا، ۱۹۰)

۵۳. س: در توضیح المسائل از مسأله ۸۳۱ تا ۸۸۳ در مورد لباس نمازگزار مرد، توضیح داده شده که از طلا نباشد؛ آیا منظور طلای زرد است یا طلای سرخ و سفید هم شاملش میشود، (چون حضرتعالی زینت کردن به پلاتین را اجازه داده‌اید). لذا بفرمایید که: آیا رنگ طلا شرط است یا ذات طلا؟

ج: طلای سفید (پلاتین) اشکال ندارد ولی اگر همان طلای متعارف باشد، جایز نیست، هرچند رنگ آن تغییر کرده باشد.

(استفتاءات، ج ۱، ص ۱۴۱، س ۵۰)

(امام خامنه‌ای) س: استفاده مردان از انگشتری که از جنس طلای سفید است، چه حکمی دارد؟

ج: اگر همان طلای زرد است که بر اثر مخلوط کردن ماده‌ای رنگ آن سفید شده، حرام است ولی اگر عنصر طلا در آن به قدری کم است که عرفاً به آن طلا نمی‌گویند مانع ندارد و پلاتین نیز اشکال ندارد.

(اجوبه‌الاستفتاءات، س ۴۴۳)

۵۴. لباس مرد نمازگزار باید ابریشم خالص نباشد و در غیر نماز هم پوشیدن آن برای مرد حرام است و چیزی که نماز در آن تمام نمیشود، مانند بند شلوار و عرقچین نیز به احتیاط واجب نباید از حریر خالص باشد.

(تحریرالوسیله، ج ۱، المقدمة الثالثة فی الستر والساتر، ص ۱۳۱، الخامس وتوضیح المسائل،

م ۸۳۴)

(امام خامنه‌ای) لباس مرد نمازگزار حتی چیزهایی مانند عرقچین و جوراب و آستر لباس و امثال آن باید از ابریشم خالص نباشد. در غیر نماز هم پوشیدن آن برای مرد حرام است، ولی دستمال ابریشمی و مانند آن اگر در جیب مرد باشد اشکال ندارد و نماز را باطل نمیکند.

(استفتا، ۱۹۱)

۵۵. اگر خون بدن یا لباس کمتر از درهم باشد و رطوبتی به آن برسد در صورتی که خون و رطوبتی که به آن رسیده به اندازه درهم یا بیشتر شود و اطراف را آلوده کند، نماز با آن باطل است. بلکه اگر رطوبت و خون به اندازه درهم نشود و اطراف را هم آلوده نکند، نماز خواندن با آن اشکال دارد ولی اگر رطوبت مخلوط به خون شود

و از بین برود نماز صحیح است.

(توضیح المسائل، م ۸۵۸)

(امام خامنه‌ای) خونی که کمتر از بند انگشت سبّابه است اگر رطوبتی به آن برسد در صورتی که رطوبت با خون مخلوط و در آن مستهلک شود و مجموع آن‌ها هم بیش از اندازه‌ی مجاز (بند انگشت) نشود، نماز با آن صحیح است، و در غیر این صورت نماز با آن بنا بر احتیاط واجب اشکال دارد.

(استفتا، ۱۹۵)

۵۶. اگر سر سوزنی خون حیض یا نفاس در بدن یا لباس نمازگزار باشد نماز او باطل است و بنا بر احتیاط واجب باید خون استحاضه، در بدن یا لباس نمازگزار نباشد، ولی خون‌های دیگر مثل خون بدن انسان یا خون حیوان حلال‌گوشت و خون سگ و خوک و کافر و مردار و حیوان حرام گوشت اگرچه در چند جای بدن و لباس باشد در صورتی که روی هم کمتر از درهم باشد، (که تقریباً به اندازه یک اشرفی میشود) نماز خواندن با آن اشکال ندارد. ولی احتیاط آن است که از خون سگ [و خوک] و کافر و مردار و حیوان حرام گوشت اجتناب کند.

(تحریرالوسیله، ج ۱، القول فیما یعفی عنه فی الصلاة، ص ۱۱۲، م ۱، الثانی وتوضیح المسائل،

م ۸۵۵)

(امام خامنه‌ای) اگر اندکی از خون حیض هم بر بدن یا لباس نمازگزار باشد نمازش باطل است؛ و بنا بر احتیاط واجب، خون نفاس و استحاضه و نیز خون حیوان‌های نجس‌العین و حرام گوشت و مردار نیز همین حکم را دارد، بلکه حکم در غیر از نفاس و استحاضه، خالی از قوّت نیست.

(استفتا، ۱۹۴)

مکان نمازگزار

۵۷. اگر در جایی که نمیداند غصبی است نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد، نمازش صحیح است و همچنین اگر در جایی که غصبی بودن آن را فراموش کرده نماز بخواند و بعد از نماز یادش بیاید، نماز او صحیح است مگر آن‌که خودش غصب کرده باشد که در این صورت به احتیاط واجب نمازش باطل است.

(تحریرالوسیله، ج ۱، المقدمه الرابعه فی المكان، ص ۱۳۳، م ۱)

(امام خامنه‌ای) اگر در جایی که نمیدانند یا فراموش کرده که غصبی است، نماز بخواند، نماز او صحیح است.
(استفتا، ۲۰۱)

۵۸. اگر با عین پولی که خمس و زکات آن را نداده ملکی بخرد، تصرف او در آن ملک حرام و نمازش هم در آن باطل است، و همچنین است اگر به ذمه بخرد و در موقع خریدن قصدش این باشد که از مالی که خمس یا زکاتش را نداده بدهد.
(توضیح‌المسائل، م ۸۷۳)

(امام خامنه‌ای) اگر با عین پولی که خمس یا زکات آن را نداده است، ملکی بخرد، نماز در آن باطل است.
(استفتا، ۲۰۳)

۵۹. شرط پنجم [از شرایط مکان نمازگزار] آن که جای پیشانی نمازگزار از جای زانوهای او، بیش از چهار انگشت بسته، پست‌تر یا بلندتر نباشد و احتیاط واجب آن است که از سر انگشتان پا هم بیشتر از این پست‌تر و بلندتر نباشد.
(توضیح‌المسائل، شرط پنجم از شرایط مکان نمازگزار)

(امام خامنه‌ای) لازم است که جای پیشانی نمازگزار از جای زانوها و سر انگشتان پای او بیش از چهار انگشت بسته، بلندتر یا پست‌تر نباشد.
(استفتا، ۲۰۹)

۶۰. بنا بر احتیاط مستحب باید زن عقب‌تر از مرد بایستد و جای سجده او از جای ایستادن مرد، کمی عقب‌تر باشد.

(تحریرالوسیله ج ۱، المقدمة الرابعة فی المكان، ص ۱۳۵، م ۸ و توضیح‌المسائل، م ۸۸۶)
(امام خامنه‌ای) لازم است میان زن و مرد در حال نماز حداقل یک وجب فاصله باشد و در این صورت اگر زن و مرد مُحاذی یکدیگر بایستند یا زن جلوتر از مرد بایستند، نماز هر دو صحیح است. این حکم بنا بر احتیاط واجب است.
(استفتا، ۲۰۸)

۶۱. در خانه کعبه و بر بام آن نماز واجب خواندن مکروه است ولی در حال ناچاری مانع ندارد.

(توضیح‌المسائل، م ۸۹۱)

(امام خامنه‌ای) به‌جا آوردن نماز واجب در داخل خانه کعبه مکروه است ولی احتیاط واجب آن است که بر بام کعبه نماز نخواند.
(استفتا، ۲۱۰)

۶۲. انسان باید رعایت ادب را بکند و جلوتر از قبر پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و امام (علیه‌السلام) نماز نخواند. چنانچه نماز خواندن بی‌احترامی باشد، حرام است ولی نماز باطل نیست.
(توضیح المسائل، م ۸۸۴)

(امام خامنه‌ای) نمازگزار باید در هنگام نماز جلوتر از قبر پیغمبر و امام (علیهم‌السلام) نایستد، ولی مساوی قبر اشکال ندارد.
(استفتا، ۲۰۶)

احکام مسجد

۶۳. اگر مسجدی را غصب کنند و به جای آن خانه و مانند آن بسازند، که دیگر به آن مسجد نگویند باز هم [بنا بر احتیاط واجب] نجس‌کردن آن حرام و تطهیر آن واجب است.

(توضیح المسائل، م ۹۰۳ و تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۰۸، م ۳)
(امام خامنه‌ای) مسجدی که غصب و خراب و متروک شده و به جای آن بنای دیگری ساخته شده یا به‌خاطر متروک ماندن، آثار مسجدی از آن محو شده و امیدی هم به دوباره‌سازی آن نیست، مثل این‌که آن آبادی تغییر جا یافته باشد، معلوم نیست نجس‌کردن آن حرام باشد. اگرچه احتیاط آن است که نجس نکنند.
(استفتا، ۲۱۲)

۶۴. نجس‌کردن زمین و سقف و بام و طرف داخل دیوار مسجد حرام است و هر کس بفهمد که نجس شده است باید فوراً نجاست آن را برطرف کند. و احتیاط واجب آن است که طرف بیرون دیوار مسجد را هم نجس نکنند، و اگر نجس شود نجاستش را برطرف نمایند، مگر آن‌که واقف آن را جزء مسجد قرار نداده باشد.
(توضیح المسائل، م ۹۰۰)

(امام خامنه‌ای) نجس‌کردن زمین و سقف و دیوار و بام مسجد حرام است، و اگر نجس شد واجب است فوراً آن را تطهیر کنند.

(استفتا، ۲۱۱)

۶۵. بنا بر احتیاط واجب مسجد را به طلا نباید زینت نمایند و همچنین نباید صورت چیزهایی که مثل انسان و حیوان روح دارد در مسجد نقش کنند. و نقاشی چیزهایی که روح ندارد، مثل گل و بوته مکروه است.

(توضیح المسائل، م ۹۰۸)

(امام خامنه‌ای) زینت کردن مسجد به طلا اگر اسراف محسوب شود حرام است، و در غیر آن صورت هم مکروه است.

(استفتا، ۲۱۳)

واجبات نماز

قیام

۶۶. اگر انسان احتمال بدهد که تا آخر وقت بتواند ایستاده نماز بخواند میتواند اول وقت نماز بخواند اگرچه احتیاط آن است که نماز را تأخیر بیندازد.

(توضیح المسائل، م ۹۷۶)

(امام خامنه‌ای) کسی که احتمال می‌دهد در آخر وقت بتواند نماز خود را ایستاده بخواند بنا بر احتیاط باید تا آن هنگام صبر کند، ولی اگر در اول وقت به خاطر عذری نماز خود را نشسته خواند و سپس تا آخر وقت عذر او بر طرف نشد، نمازی که خوانده صحیح است و اعاده لازم نیست. و اگر در اول وقت قادر بر نماز ایستاده نبود و یقین داشت که ناتوانی او از نماز ایستاده، تا آخر وقت ادامه خواهد یافت، ولی قبل از آخر وقت توانست ایستاده نماز بخواند، باید نماز را به‌طور ایستاده اعاده کند

(اجوبه الاستفتاءات، س ۴۵۷)

۶۷. کسی که نمیتواند نشسته نماز بخواند باید در حال نماز به پهلو راست طوری بخوابد که جلوی بدن او رو به قبله باشد، و اگر ممکن نیست باید به پهلو چپ طوری بخوابد که جلوی بدن او رو به قبله باشد و اگر این را هم نتواند باید به پشت بخوابد به طوری که کف پای او رو به قبله باشد.

(تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی القیام، ص ۱۴۸، م ۵ و توضیح المسائل، م ۷۷۹)

(امام خامنه‌ای) کسی که قادر بر نماز نشسته نیز نیست، باید خوابیده نماز بخواند. و بنا بر

احتیاط واجب باید اگر میتواند به پهلوئی راست بخوابد و صورت و بدن او رو به قبله باشد، و گرنه به پهلوئی چپ بخوابد، و اگر اینگونه هم نمی‌تواند، به پشت بخوابد به طوری که کف پاهای او رو به قبله باشد.

(استفتا، ۲۳۵)

قرائت

۶۸. در رکعت اول و دوم نمازهای واجب یومیّه، انسان باید اول حمد و بعد از آن

یک سوره تمام بخواند.

(توضیح المسائل، م ۹۷۸)

(امام خامنه‌ای) در رکعت اول و دوم نمازهای واجب یومیّه، انسان باید سوره حمد را بخواند و پس از آن بنا بر احتیاط واجب، یک سوره کامل قرائت کند.

(استفتا، ۲۴۲)

۶۹. اگر وقت نماز تنگ باشد، یا انسان ناچار شود که سوره را نخواند، مثلاً بترسد

که اگر سوره را بخواند، دزد یا درنده، یا چیز دیگری به او صدمه بزند، نباید سوره را بخواند و اگر در کاری عجله داشته باشد میتواند سوره را نخواند.

(توضیح المسائل، م ۹۷۹)

(امام خامنه‌ای) اگر وقت نماز تنگ باشد یا انسان بترسد که اگر سوره را بخواند دزد یا

درنده یا چیز دیگر به او صدمه میزند، نباید سوره را بخواند.

(استفتا، ۲۴۳)

۷۰. اگر اشتباهاً مشغول خواندن سوره‌ای شود که سجده واجب دارد، چنانچه

پیش از رسیدن به آیه سجده بفهمد، باید آن سوره را رها کند و سوره دیگر بخواند و

اگر بعد از خواندن آیه سجده بفهمد باید در بین نماز با اشاره، سجده آن را به جا آورد

و به همان سوره که خوانده اکتفا نماید.

(توضیح المسائل، م ۹۸۴)

(امام خامنه‌ای) در نماز واجب خواندن سوره‌های سجده جایز نیست و اگر عمداً یا سهواً

یکی از آن سوره‌ها را بخواند تا به آیه سجده برسد باید بنا بر احتیاط واجب سجده تلاوت را

به جا آورد و برخیزد و اگر سوره تمام نشده آن را تمام کند و نماز را به آخر برساند و سپس

نماز را اعاده کند. و اگر قبل از رسیدن به آیه سجده ملتفت شد احتیاط واجب آن است که سوره را رها کند و سوره دیگری بخواند و نماز را تمام کند و سپس نماز را اعاده نماید. (استفتا، ۲۴۷)

۷۱. اگر بعد از حمد مشغول خواندن سوره «قل هو الله احد» یا سوره «قل یا ایها الکافرون» شود، نمیتواند آن را رها کند و سوره دیگر بخواند ولی در نماز جمعه و نماز ظهر روز جمعه اگر از روی فراموشی به جای سوره جمعه و منافقین، یکی از این دو سوره را بخواند، تا به نصف نرسیده، میتواند آن را رها کند و سوره جمعه و منافقین را بخواند.

(توضیح المسائل، م ۹۸۸)

(امام خامنه‌ای) اگر بعد از حمد شروع کند به خواندن سوره‌ی «قل هو الله احد» یا سوره‌ی «قل یا ایها الکافرون»، نمی‌تواند آن را رها کند و سوره‌ی دیگری را بخواند. ولی در نماز جمعه اگر از روی فراموشی به جای سوره‌ی جمعه و منافقین، یکی از آن دو سوره را بخواند، می‌تواند آن را رها کند و سوره‌ی جمعه و منافقین را بخواند. (استفتا، ۲۵۰)

۷۲. وقتی میخواهد برای خواندن سوره، «بسم الله الرحمن الرحيم» بگوید، باید سوره را معین کند و بسم الله را به قصد آن سوره بگوید و اگر سوره‌ای را تعیین کرد، سپس آن سوره را رها کرد، باید برای سوره دیگری که میخواهد بخواند، به قصد همان سوره مجدداً «بسم الله...» را بگوید.

(تحریر الوسیله ج ۱، القول فی القراءه و الذکر، ص ۱۵۰، م ۷)

(امام خامنه‌ای) س: کسی که از ابتدا یا بر حسب عادت قصد خواندن سوره فاتحه و اخلاص را داشت و «بسم الله الرحمن الرحيم» را گفت ولی سهواً سوره را تعیین نکرد، آیا باید از اول، سوره معینی را قصد نماید و بعد «بسم الله الرحمن الرحيم» را قرائت کند؟ ج: اعاده «بسم الله الرحمن الرحيم» واجب نیست، بلکه میتواند برای خواندن هر سوره‌ای به آن اکتفا کند.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۴۶۶)

۷۳. زن میتواند حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشا را بلند یا آهسته بخواند،

ولی اگر نامحرم صدایش را بشنود بنا بر احتیاط واجب باید آهسته بخواند.

(توضیح المسائل، م ۹۹۴)

(امام خامنه‌ای) زن میتواند حمد و سوره نمازهای صبح و مغرب و عشا را بلند یا آهسته بخواند، ولی اگر نامحرم صدای او را میشنود بهتر است آهسته بخواند.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۴۷۱)

۷۴. اگر در رکعت سوم و چهارم حمد بخواند، بنا بر احتیاط واجب باید «بِسْمِ اللَّهِ» آن را هم آهسته بگوید.

(توضیح المسائل، م ۱۰۰۸)

(امام خامنه‌ای) بر مرد و زن واجب است که در رکعت سوم و چهارم نمازها، تسبیحات یا حمد را آهسته بخوانند، ولی در صورتی که حمد بخواند میتواند در نماز فرادی «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را در آن بلند بگوید. اگرچه احتیاط در آن است که «بِسْمِ اللَّهِ» را هم آهسته بگوید، و در نماز جماعت این احتیاط، واجب است.

(استفتا، ۲۶۳)

۷۵. احتیاط مستحب آن است که در نماز، وقف به حرکت و وصل به سکون ننماید و معنی وقف به حرکت آن است که زیر یا زبر یا پیش آخر کلمه‌ای را بگوید و بین آن کلمه و کلمه بعدش فاصله دهد. مثلاً بگوید «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و میم «الرَّحِيمِ» را زیر بدهد و بعد قدری فاصله دهد و بگوید «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ». و معنی وصل به سکون آن است که زیر یا زبر یا پیش کلمه‌ای را نگوید و آن کلمه را به کلمه بعد بچسباند مثل آن که بگوید «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و میم «الرَّحِيمِ» را زیر ندهد و فوراً «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» را بگوید.

(توضیح المسائل، م ۱۰۰۴)

(امام خامنه‌ای) در قرائت نماز لازم نیست که اگر آیه‌ای را به آیه‌ی بعدی وصل کرد، حرکت آخر آیه را ظاهر کند، مثلاً اگر بگوید: «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»، و نون آخر آیه را ساکن کند و بلافاصله بگوید: «إِيتَاكَ نَعْبُدُ وَإِيتَاكَ نَسْتَعِينُ» اشکال ندارد. این کار را «وصل به سکون» مینامند. و همین‌طور است در مورد کلماتی که آیه از آنها تشکیل شده است. اگرچه در مورد اخیر احتیاط آن است که وصل به سکون نکند.

(استفتا، ۲۶۱)

۷۶. اگر در رکوع رکعت سوم یا چهارم یا در حال رفتن به رکوع شک کند که حمد یا تسبیحات را خوانده یا نه، باید به شک خود اعتنا نکند.

(توضیح المسائل، م ۱۰۱۵)

(امام خامنه‌ای) اگر در رکوع رکعت سوم و چهارم شک کند که حمد یا تسبیحات را خوانده یا نه، باید به شک خود اعتنا نکند. ولی اگر در هنگام رفتن به رکوع در حالی که هنوز به حد رکوع نرسیده است شک کند، بنا بر احتیاط واجب باید برگردد و حمد یا تسبیحات را بخواند.

(استفتا، ۲۶۷)

۷۷. هرگاه شک کند که آیه یا کلمه‌ای را درست گفته یا نه، اگر به چیزی که بعد از آن است مشغول نشده، باید آن آیه یا کلمه را به‌طور صحیح بگوید و اگر به چیزی که بعد از آن است مشغول شده، چنانچه آن چیز رکن باشد مثل آن که در رکوع شک کند که فلان کلمه از سوره را درست گفته یا نه، باید به شک خود اعتنا نکند، و اگر رکن نباشد، مثلاً موقع گفتن «اللَّهُ الصَّمَد» شک کند که «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را درست گفته یا نه، باز هم میتواند به شک خود اعتنا نکند، ولی اگر احتیاطاً آن آیه یا کلمه را به‌طور صحیح بگوید اشکال ندارد، و اگر چند مرتبه هم شک کند، میتواند چند بار بگوید اما اگر به وسواس برسد و باز هم بگوید، بنا بر احتیاط واجب باید نمازش را دوباره بخواند.

(توضیح المسائل، م ۱۰۱۶)

(امام خامنه‌ای) اگر پس از آن که آیه‌ای را تمام کرد شک کند که آن را درست خوانده یا نه، باید به شک خود اعتنا نکند. و همین‌طور است اگر جمله‌ای از آیه را تمام کرد و پس از آن شک در درست خواندن آن کرد، مثل این که پس از «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» شک کرد که آیا آن را درست ادا کرده است یا نه. البته در همه این صورت‌ها اگر آن چه را که در صحیح ادا کردن آن شک دارد، احتیاطاً دوباره بخواند اشکال ندارد.

(استفتا، ۲۶۸)

رکوع

۷۸. اگر به اندازه رکوع خم شود، ولی دست‌ها را به زانو نگذارد اشکال ندارد.

(توضیح المسائل، م ۱۰۲۳)

(امام خامنه‌ای) احتیاط آن است که در حال رکوع دست‌ها را بر زانو بگذارد.

(استفتا، ۲۷۲)

۷۹. انسان هر ذکر در رکوع بگوید کافی است، ولی احتیاط واجب آن است که به قدر سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا یک مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» کمتر نباشد.

(توضیح المسائل، م ۱۰۲۸)

(امام خامنه‌ای) ذکر واجب در رکوع عبارت است از یک بار گفتن: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» یا سه بار گفتن: «سُبْحَانَ اللَّهِ.» و اگر به جای آن ذکر دیگری از قبیل «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و «اللَّهُ أَكْبَرُ» و غیر آن را به همان مقدار بگوید نیز کافی است.

(استفتا، ۲۷۵)

۸۰. اگر پیش از آن که به مقدار رکوع خم شود و بدن آرام گیرد عمداً ذکر رکوع را بگوید یا اگر پیش از تمام شدن ذکر واجب، عمداً سر از رکوع بردارد، نمازش باطل است.

(توضیح المسائل، م ۱۰۳۲ و م ۱۰۳۳)

(امام خامنه‌ای) کسی که می‌داند طمأنینه در حال ذکر رکوع واجب است، اگر پیش از رسیدن به حد رکوع و آرام گرفتن بدن، عمداً ذکر رکوع را شروع کند یا اگر پیش از تمام شدن ذکر واجب، عمداً سر از رکوع بردارد، نمازش باطل است.

(استفتا، ۲۷۸ و ۲۷۹)

۸۱. اگر موقعی که ذکر واجب رکوع را می‌گوید، بیاختیار به قدری حرکت کند که از حال آرام بودن بدن خارج شود باید بعد از آرام گرفتن بدن، بنا بر احتیاط واجب دوباره ذکر را بگوید، ولی اگر کمی حرکت کند که از حال آرام بودن بدن خارج نشود یا انگشتان را حرکت دهد اشکال ندارد.

(توضیح المسائل، م ۱۰۳۱)

(امام خامنه‌ای) اگر در حالی که ذکر واجب رکوع را می‌گوید، بدن او بیاختیار حرکت کند

و حال طمأنینه واجب را بر هم بزند، باید پس از آرام گرفتن بدن، ذکر واجب را دوباره بگوید. حرکت اندک بدن یا حرکت انگشتان و امثال آن اشکال ندارد. (استفتا، ۲۷۷)

۸۲. اگر نتواند به مقدار ذکر در رکوع بماند، در صورتی که بتواند پیش از آن که از حد رکوع بیرون رود ذکر را بگوید، باید در آن حال تمام کند و اگر نتواند در حال برخاستن ذکر را به قصد رجا بگوید. (توضیح المسائل، م ۱۰۳۴)

– اگر به واسطه مرض و مانند آن در رکوع آرام نگیرد نماز صحیح است ولی باید پیش از آن که از حال رکوع خارج شود، ذکر واجب یعنی «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ» یا سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» را بگوید. (توضیح المسائل، م ۱۰۳۵)

(امام خامنه‌ای) کسی که به خاطر بیماری و امثال آن نمیتواند به اندازه گفتن سه «سُبْحَانَ اللَّهِ» در حال رکوع بماند، کافی است که یک مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید، و اگر فقط یک لحظه میتواند در حال رکوع باشد، احتیاط واجب آن است که ذکر را در همان لحظه شروع کند و در حال سر برداشتن تمام نماید. (استفتا، ۲۸۰)

۸۳. اگر بعد از آن که پیشانی به زمین برسد، یادش بیاید که رکوع نکرده، بنا بر احتیاط واجب باید بایستد و رکوع را به جا آورد و نماز را تمام کند و دوباره بخواند. (توضیح المسائل، م ۱۰۴۲)

(امام خامنه‌ای) اگر در حال سجده اول یا بعد از آن و پیش از آن که وارد سجده دوم شود یادش بیاید که رکوع نکرده است، باید برخیزد و بایستد و رکوع کند و پس از آن دو سجده را به جا آورد و نماز را تمام کند و بعد از نماز احتیاطاً دو سجده سهو برای سجده زیادی بگذارد. (استفتا، ۲۸۴)

سجده

۸۴. در سجده هر ذکری بگوید کافی است ولی احتیاط واجب آن است که مقدار ذکر از سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا یک مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ» کمتر نباشد.

(توضیح المسائل، م ۱۰۴۹)

(امام خامنه‌ای) ذکر واجب در سجده عبارت است از یک بار گفتن «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ» یا سه مرتبه گفتن «سُبْحَانَ اللَّهِ» و اگر به جای آن ذکرهای دیگر مانند «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، «اللَّهُ أَكْبَرُ» و غیر آن را به همان مقدار بگوید کافی است.

(استفتا، ۲۹۳)

۸۵. اگر پیش از آن که پیشانی به زمین برسد و بدن آرام گیرد عمداً ذکر سجده را بگوید، یا پیش از تمام شدن ذکر عمداً سر از سجده بردارد، نماز باطل است.

(توضیح المسائل، ۱۰۵۱)

(امام خامنه‌ای) کسی که میداند آرام بودن بدن در حال ذکر سجود واجب است اگر پیش از آن که پیشانی به زمین برسد و بدن آرام بگیرد، عمداً ذکر را بگوید، یا پیش از تمام شدن ذکر، عمداً سر از سجده بردارد، نمازش باطل است.

(استفتا، ۲۹۵)

۸۶. اگر پیشانی بیاختیار از جای سجده بلند شود، چنانچه ممکن باشد باید نگذارد دوباره به جای سجده برسد، و این یک سجده حساب میشود، چه ذکر سجده را گفته باشد یا نه، و اگر نتواند سر را نگه دارد و بیاختیار دوباره به جای سجده برسد، روی هم یک سجده حساب میشود و اگر ذکر نگفته باشد باید بگوید.

(توضیح المسائل، م ۱۰۷۱)

(امام خامنه‌ای) اگر در هنگام سجده، پیشانی به محل سجده بخورد و بیاختیار از زمین بلند شود، باید دوباره پیشانی را بر زمین بگذارد و ذکر سجده را بگوید، و یک سجده به حساب می‌آید.

(استفتا، ۳۰۱)

۸۷. اگر انسان ناچار شود که در زمین گِل نماز بخواند، باید در حالی که ایستاده است، برای سجده با سر اشاره کند و تشهد را ایستاده بخواند.

(تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۳۶، ۱۲۴)

(امام خامنه‌ای) هرگاه در زمین گِل آلود نماز می‌خواند، اگر آلوده شدن بدن و لباس برای او موجب مشقت است، میتواند در حالی که ایستاده، برای سجده با سر اشاره کند و تشهد را ایستاده بخواند.

۸۸. ... سجده کردن بر چیزهای معدنی مانند طلا و نقره و عقیق و فیروزه باطل است اما سجده کردن بر سنگ‌های معدنی مانند مرمر و سنگ‌های سیاه اشکال ندارد.

(توضیح المسائل، م ۱۰۷۶)

(امام خامنه‌ای) سجده بر سنگ مرمر و دیگر سنگ‌هایی که در ساخت یا زینت بنا به کار می‌رود صحیح است، همچنین سجده بر عقیق و فیروزه و دُرّ و امثال آن؛ هرچند احتیاط آن است که بر این دسته آخری سجده نکند.

(استفتا، ۳۱۲)

۸۹. سجده کردن بر برگ چای و نیز بر قهوه جایز نیست.

(العروة الوثقی، جلد ۱، فی مسجد الجبهه من مکان المصلی، م ۶)

(امام خامنه‌ای) سجده کردن بر برگ چای بنا بر احتیاط واجب صحیح نیست، ولی سجده بر برگ درخت قهوه که خود برگ، استفاده خوراکی ندارد، صحیح است.

(استفتا، ۳۱۴)

۹۰. سجده بر گل‌هایی که خوراکی نیستند، صحیح است ولی سجده بر دواهای خوراکی که از زمین می‌روید، مانند گل بنفشه و گل گاوزبان صحیح نیست.

(توضیح المسائل، م ۱۰۷۹)

(امام خامنه‌ای) سجده بر گل‌هایی که خوراکی نیستند و نیز داروهای گیاهی که از زمین می‌روید و فقط برای معالجه بیماریها به کار می‌آید مانند گل ختمی و گل بنفشه صحیح است، ولی بر گیاهانی که در موارد غیر معالجه نیز برای خواص طبی که در آن است به مصرف خوراکی می‌رسد، مانند خاکشیر و امثال آن، سجده درست نیست.

(استفتا، ۳۱۵)

۹۱. اگر کاغذ را از چیزی که سجده بر آن صحیح است مثلاً از گاه ساخته باشند، میشود بر آن سجده کرد و سجده بر کاغذی که از پنبه و مانند آن ساخته شده اشکال ندارد.

(توضیح المسائل، م ۱۰۸۲)

(امام خامنه‌ای) سجده بر کاغذی که از چوب و گیاهان - غیر از کتان و پنبه - ساخته

میشود درست است.

(استفتا، ۳۱۸)

۹۲. اگر چیزی که سجده بر آن صحیح است ندارد، یا اگر دارد به واسطه سرما یا گرمای زیاد [یا تقیه] و مانند این‌ها نمیتواند بر آن سجده کند، باید به لباسش اگر از کتان یا پنبه است، سجده کند و اگر از چیز دیگر است بر همان لباس سجده کند و اگر آن هم نیست باید بر پشت دست و چنانچه آن هم ممکن نیست به چیز معدنی مانند انگشتر عقیق سجده نماید.

(توضیح المسائل، م ۱۰۸۴ و تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۳۷، م ۱۳)

(امام خامنه‌ای) اگر چیزی که سجده بر آن صحیح است ندارد، یا به واسطه سرما یا گرما و مانند این‌ها نمیتواند بر آن سجده کند، چنانچه لباس او از جنس پنبه یا کتان است یا چیزی از جنس پنبه یا کتان دارد باید بر آن سجده کند و احتیاط آن است که تا سجده بر لباسی که از پنبه و کتان باشد ممکن است، بر غیر آن (یعنی غیر لباسی که از این جنس باشد) سجده نکند و اگر ندارد، بنا بر احتیاط واجب بر پشت دست خود سجده کند.

(استفتا، ۳۲۰)

۹۳. اگر در سجده اول، مهر به پیشانی بچسبد و بدون این که مهر را بردارد دوباره به سجده رود اشکال دارد، بلکه نماز باطل است و باید اعاده کند.

(توضیح المسائل، م ۱۰۸۶)

(امام خامنه‌ای) اگر در سجده اول، مهر به پیشانی بچسبد باید برای سجده دوم مهر را از پیشانی بردارد، و اگر مهر را از پیشانی جدا نکند و به همان حال به سجده دوم برود اشکال دارد.

(استفتا، ۳۲۱)

سجده واجب قرآن

۹۴. اگر از مثل گرامافون آیه سجده را بشنود لازم نیست سجده نماید. ولی اگر از آلتی که صدای خود انسان را می‌رساند بشنود، واجب است سجده کند.

(توضیح المسائل، م ۱۰۹۶)

(امام خامنه‌ای) اگر به آیه سجده‌ای که از رادیو یا تلویزیون یا ضبط صوت و امثال آن پخش میشود گوش دهد، سجده واجب است.

(استفتا، ۳۲۶ و اجوبه الاستفتائات، س ۵۰۰)

۹۵. در سجده واجب قرآن نمیشود بر چیزهای خوراکی و پوشاکی سجده کرد.

(توضیح المسائل، م ۱۰۹۷)

(امام خامنه‌ای) در سجده‌ی واجب قرآن باید بر چیزهایی سجده کند که در نماز می‌تواند بر آنها سجده کند.

(استفتا، ۳۲۷)

تشهد

۹۶. اگر تشهد را فراموش کند و بایستد و پیش از رکوع یادش بیاید که تشهد را نخوانده، باید بنشیند و تشهد را بخواند و دوباره بایستد و آنچه باید در آن رکعت خوانده شود بخواند و نماز را تمام کند و اگر در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید، باید نماز را تمام کند و بعد از سلام نماز، تشهد را قضا کند، و بنا بر احتیاط واجب برای تشهد فراموش شده، دو سجده سهو به‌جا آورد.

(توضیح المسائل، م ۱۱۰۲)

(امام خامنه‌ای) اگر تشهد را فراموش کند و در هنگامی که به رکوع رکعت سوم رفته یا بعد از آن یادش بیاید، باید نماز را تمام کند و بعد از سلام، برای تشهد فراموش شده دو سجده سهو به‌جا آورد. و احتیاط آن است که پیش از سجده سهو، تشهد فراموش شده را قضا کند.

(استفتا، ۳۳۲)

نماز جماعت

۹۷. اگر مأموم مرد است، امام [جماعت] او هم باید مرد باشد... و احتیاط واجب آن است که امام زن نیز مرد باشد.

(تحریرالوسیله، ج ۱، القول فی شرائط امام الجماعة، ص ۲۴۹ و توضیح المسائل، م ۱۴۵۳)

(امام خامنه‌ای) امامت زن در نماز جماعت فقط برای زنان جایز است.

(اجوبه الاستفتائات، س ۵۹۶)

۹۸. اگر امام یا مأموم بخواهد نمازی را که به جماعت خوانده دوباره با جماعت بخواند در صورتی که جماعت دوم و اشخاص آن غیر از اول باشد اشکال ندارد.

(توضیح المسائل، م ۱۴۰۴)

(امام خامنه‌ای) نمازی را که فرادا خوانده، می‌تواند با اقتدا به امام جماعتی اعاده نماید، و نمازی را که برای جماعتی امامت کرده، می‌تواند یک‌بار دیگر برای جماعت دیگر امامت کند، در غیر این دو صورت اعاده وجهی ندارد هر چند جماعت دوم دارای رجحانی باشد.
(استفتا، ۶۹۹۰)

نماز جمعه

۹۹. خواندن خطبه‌های نماز جمعه قبل از ظهر به طوری که هنگام تمام شدن خطبه‌ها ظهر شده باشد جایز است و احتیاط آن است که خطبه‌ها پس از زوال ایراد شود.

(تحریرالوسیله، القول فی شرائط صلاة الجمعة، ج ۱، ص ۲۱۲، م ۱۰۰)
(امام خامنه‌ای) خطبه‌های نماز جمعه را می‌توانند قبل از ظهر ایراد کنند. اگرچه احتیاط آن است که قسمتی از آن در وقت ظهر باشد و احوط آن است که تماماً بعد از دخول وقت ایراد شود.
(استفتا، ۱۶۰)

۱۰۰. احتیاط واجب آن است که نماز جمعه را از موقعی که عرفاً اول ظهر می‌گویند، تأخیر نیندازد و اگر از این وقت تأخیر افتاد به جای نماز جمعه نماز ظهر بخواند.
(تحریرالوسیله، ج ۱، القول فی وقتها، ص ۲۱۶، م ۱ و توضیح المسائل، م ۷۳۴)
وقت نماز جمعه از اول ظهر است، و احوط آن است که آن را از اوایل عرفی وقت نماز ظهر - در حدود یکی دو ساعت - عقب نیندازند.
(استفتا، ۱۵۹ و اجوبة الاستفتاءات، س ۶۳۰)

نماز مسافر

۱۰۱. مسافر باید نماز ظهر و عصر و عشا را با هشت شرط، شکسته به جا آورد یعنی دو رکعت بخواند: ..

شرط هفتم: آن که شغل او مسافرت نباشد، بنابراین شتردار و راننده و چوبدار و کشتیبان و مانند این‌ها، اگرچه برای بردن اثاثیه منزل خود مسافرت کنند، در غیر سفر اول باید نماز را تمام بخوانند. ولی در سفر اول اگرچه طول بکشد، نمازشان شکسته است.

(تحریرالوسیله، ج ۱، فصل فی صلاة المسافر، ص ۲۳۰، سابعها و توضیح المسائل، نماز مسافر،

شرط هفتم)

(امام خامنه‌ای) س: شرایط وجوب قصر بر مسافر در نمازهای چهار رکعتی کدام است؟
ج: امور هشتگانه ذیل است: ...
۷- مسافرت را شغل خود قرار نداده باشد مانند باربر و راننده و ملوان و غیره؛ و کسی که شغل او در سفر است، ملحق به این‌هاست.
(اجوبه‌الاستفتائات، س ۶۴۰)

۱۰۲. س: شخصی در یک شرکت، ناظر خرید است چند سال است که هر روز صبح از وطن خود به محل کار که بیش از حدّ شرعی فاصله دارد می‌رود و غروب بر می‌گردد و گاهی شخصاً رانندگی میکند، آیا این شخص مسافر است یا دائم‌السفر؟
ج: در محل کار و بین راه حکم مسافر دارد.
(استفتاءات، ج ۱، ص ۲۴۶، س ۳۷۹)

(امام خامنه‌ای) س: کسی که سفر شغلی حداقل هر ده روز یک‌بار انجام می‌دهد، تا چه مدت آن را ادامه دهد حکم سفر شغلی بر آن مترتب می‌شود؟
ج: میزان، صدق تکرّر سفر برای شغل است، همین‌که کاری که برای آن سفر می‌کند شغل او محسوب باشد ولو شغل دو سه ماهه، و برای آن بدون تخلّل اقامت ده روز در یک‌جا مکرراً مسافرت می‌کند، در سفر سوم نمازش تمام است.
(استفتاءات، ۶۲۵۰۵)

(امام خامنه‌ای) کسی که سفر مقدمه شغل اوست [مانند کارمندی که به محل خدمت خود مسافرت میکند] آیا در سفر نمازش تمام و روزه‌اش صحیح است یا آن‌که این حکم اختصاص به کسی دارد که شغل او حتماً مسافرت باشد [مانند راننده و ملوان]؟
ج: کسی که سفر مقدمه کار او است، اگر در خلال هر ده روز حداقل یک بار برای کار به محل کارش رفت و آمد نماید، نمازش تمام و روزه‌اش صحیح است.
(اجوبه‌الاستفتائات، س ۶۴۱)

۱۰۳. کسی که شغلش مسافرت است اگر ده روز یا بیشتر در وطن خود یا غیر وطن خود بماند، چه از اول قصد ماندن ده روز را داشته باشد، چه بدون قصد بماند، باید در سفر اولی که بعد از ده روز می‌رود، نماز را شکسته بخواند.
(توضیح المسائل، م ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳)

(امام خامنه‌ای) س: شخصی که مکرراً برای شغلیش مسافرت می‌کند اگر ده روز در وطن و یا جای دیگر اقامت کند آیا در این مورد هم در سفر سوم نمازش تمام است و یا این که پس از اقامه ده روز فقط در سفر اول نمازش قصر می‌باشد؟
ج: در صورت اقامت ده روز در یک محل در بین سفرهای شغلی، فقط در سفر اول بعد از اقامت ده روز نمازش قصر است.

(استفتا)

توضیح:

به فتوای حضرت امام خمینی (قدس سرّه) تنها کسانی که شغل آن‌ها مسافرت میباشد، یعنی قوام کارشان به سفر است که در غیر سفر و در محل ثابت انجام نمیپذیرد مانند: راننده‌های برون شهری، خلبانان و ملوانان نمازشان در سفرهای شغلی تمام و روزه صحیح است. ولی کسانی که شغل آن‌ها مسافرت نیست، هر چند، هر روز برای کارشان به مسافرت میروند نمازشان در سفر شکسته است، مانند معلّمی که هر روز یا هر هفته برای تدریس به سفر میرود.

به یک مسأله و یک استفتا توجه کنید:

مسأله: کسی که شغلیش مسافرت نیست، اگر مثلاً در شهری یا در دهی جنسی دارد که برای حمل آن مسافرت‌های پیدرپی میکند، باید نماز را شکسته بخواند.

(تحریرالوسیله، ج ۱، فصل فی صلاة المسافر، ص ۲۳۱، ۲۴۴ و توضیح المسائل، م ۱۳۱۶)

س: سپاه، عده‌ای را برای امور روستاها استخدام میکند و مقرّ سپاه هم وطنشان نیست و هر روز یا هر سه روز به ناچار به اطراف آن شهر مسافرت میکنند تکلیف نماز و روزه آن‌ها چیست؟ و خلاصه، لازمه کارشان مسافرت است.

ج: در غیر وطن بدون قصد اقامه ده روز در محل واحد، نماز شکسته و روزه صحیح نیست.

(استفتاءات، ج ۱، ص ۲۴۶، س ۳۷۶)

(امام خامنه‌ای) به فتوای رهبر معظم انقلاب (دام‌ظله)، کسانی که شغلیشان در سفر است یا برای کارشان حداقل در کمتر از ده روز به محل کار سفر میکنند، مانند کسانی هستند که شغلیشان مسافرت است، یعنی باید نمازهای چهار رکعتی را در این‌گونه مسافرت‌ها تمام

بخوانند و روزه صحیح است، مانند معلّمانی که برای تدریس یا کارمندی که برای انجام وظیفه یا کارگرانی که برای کار؛ مثلاً هر هفته یک بار به محل کارشان میروند و برمیگردند، نمازشان در سفر برای کار تمام است. ولی اگر سفر برای تحصیل باشد، نظر مبارک ایشان مبنی بر احتیاط است، مگر آن که تحصیل در حکم کار و شغل آنها باشد، مانند افرادی که در سپاه و ارتش برای تحصیل مأموریت دارند.

به دو استفتا توجه کنید:

س: دانشجویانی که هر هفته برای تحصیل مسافرت میکنند، چه حکمی دارند؟

ج: در فرض سؤال حکم نماز در سفر تحصیلی مبنی بر احتیاط است. ۲

(اجوبه الاستفتاءات، س ۶۵۲)

س: دبیر شاغل در شهرستان رفسنجان میباشم با توجه به پذیرفته شدن در مرکز عالی ضمن خدمت و مأموریت به تحصیلی آموزش و پرورش، سه روز ابتدای هفته را در شهرستان کرمان اشتغال به تحصیل دارم و بقیه ایام هفته را در شهرستان خود به خدمت مشغولم، نظر حضرت عالی در مورد احکام نماز و روزه اینجانب چه میباشد آیا حکم دانشجو بودن به ما جاری است یا خیر؟

ج: اگر مأمور به تحصیل هستید نماز شما تمام است و میتوانید روزه بگیرید.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۶۵۳)

۱۰۴. س: فتوای حضرت امام را در مورد بلاد کبیره مفصلاً بیان نمایید.

ج: در شهرهای بزرگ خارق العاده که تشخیص آن موکول به نظر عرف است، میزان در مبدأ و منتهای مسافت، منزل است و در قصد اقامت ده روز باید نیت اقامت ده روز در یک محلّه را داشته باشد.

(تحریرالوسیله، ج ۱، فصل فی صلاة المسافر، ص ۲۲۵، م ۴ و استفتاءات، ج ۱، ص ۲۰۷،

س ۲۷۷)

(امام خامنه‌ای) س: نظر جنابعالی درباره شهرهای بزرگ از جهت قصد توطن یا اقامت ده روز در آنها چیست؟

ج: در احکام مسافر و قصد توطن و قصد اقامت ده روز فرقی بین شهرهای بزرگ و معمولی

۲. افرادی که چنین وضعیتی دارند، می‌توانند با مراعات شرایط به فتوای مجتهد دیگر رجوع کنند.

نیست و حتی با قصد توطن در یک شهر بزرگ و مدتی در آن جا ماندن، بدون معین کردن محله‌ی خاصی از آن، تمام آن شهر حکم وطن را درباره او پیدا خواهد کرد. همچنین اگر قصد اقامت ده روز در مانند این شهر نماید، بدون این که محله‌ی خاصی از آن را قصد نماید، حکم تمام بودن نماز و صحت روزه در مورد او در تمام محله‌های آن شهر جاری خواهد بود.

(اجوبه‌الاستفتائات، س ۷۰۷)

۱۰۵. مسافری که می‌خواهد ده روز در محلی بماند، اگر از اول قصد داشته باشد که در بین ده روز به اطراف آن جا برود، چنانچه جایی که می‌خواهد برود از حصار و دیوار شهر بیرون نباشد، یا از مزارع و باغات اطراف آن باشد به مقداری که رفتن به آن جا منافی با صدق اقامه در آن محل نباشد [یعنی عرفاً بگویند که ده روز در یک محل مانده است] باید نماز را تمام بخواند ولی چنانچه بخواهد تا کمتر از چهار فرسخ برود، چنانچه در نیت او باشد که در بین ده روز، فقط یک مرتبه برود و بیش از دو ساعت، رفتن و برگشتن را طول ندهد، در همه ده روز باید نمازش را تمام بخواند.

(تحریرالوسیله، ج ۱، القول فی قواطع السفر، ص ۲۳۵، م ۷ و توضیح المسائل، م ۱۳۳۸)

(امام خامنه‌ای) س: آیا هنگام قصد اقامت، جایز است نیت خروج از محل اقامت به محل دیگری را که کمتر از چهار فرسخ با آن فاصله دارد بنمائیم؟

ج: قصد خروج از محل اقامت به اندازه کمتر از مسافت شرعی اگر به صدق اقامت ده روز ضرر نزند مثل بیرون رفتن از آن جا به مدت چند ساعت از روز یا شب برای یک بار یا چند بار به شرطی که مجموع ساعات خروج از شش، هفت ساعت بیشتر نشود، در این صورت، قصد خروج به قصد اقامت لطمه نمی‌زند.

(اجوبه‌الاستفتائات، س ۶۶۵)

۱۰۶. تخییر بین قصر و اتمام در مکه و مدینه، اختصاص به مسجدالحرام و مسجدالنبی (صلی الله علیه وآله) دارد و در تمام مکه و مدینه جاری نیست، بلی اختصاص به مسجد اصلی ندارد و در جاهای توسعه داده شده مسجد هم جاری است، هر چند احتیاط، اقتضای بر مسجد اصلی است، پس در تمام مسجد فعلی، مسافر می‌تواند نماز را تمام بخواند، همان طور که می‌تواند شکسته بخواند.

(تحریرالوسیله، ج ۱، القول فی احکام المسافر، ص ۲۴۰، م ۸ و مناسک حج، م ۱۳۱۶)

(امام خامنه‌ای) مسافر می‌تواند در تمام دو شهر مکه و مدینه حتی محله‌های جدید نماز را

تمام بخواند و اختصاص به مسجد الحرام و مسجد النبی (صلی الله علیه وآله) ندارد، هر چند احتیاط در اختصاص به محله‌های قدیمی این دو شهر بلکه تنها به دو مسجد مقدّس است. (مناسک حج، م ۱۱۵۳)

۱۰۷. تا انسان قصد ماندن همیشگی در جایی که غیر وطن اصلی خودش است نداشته باشد وطن او حساب نمیشود مگر آن که بدون قصد ماندن، آن قدر بماند که مردم بگویند این جا وطن اوست.

(توضیح المسائل، م ۱۳۳۱)

(امام خامنه‌ای) س: کسی که می‌خواهد سالیانی در مکانی بماند، تا چه مدتی بنای ماندن آن جا را داشته باشد، حکم وطن را دارد، و آیا بین ماندن در آن جا صرفاً به قصد زندگی یا برای کار یا هر دو، تفاوتی وجود دارد؟

ج: اگر بنای زندگی در آن جا را به مدّت هفت، هشت سال داشته باشد برای ترتّب حکم وطن کافی است. ولی اگر برای کار یا امر دیگری غیر از زندگی در آن جا، مدتی بخواهد بماند، حکم وطن مترتّب نیست.

(اجوبه الاستفتائات، س ۶۸۴)

نماز آیات

۱۰۸. در نماز آیات ممکن است انسان بعد از نیت و تکبیر و خواندن حمد، آیه‌های یک سوره را پنج قسمت کند و یک آیه [یا کمتر] یا بیشتر از آن را بخواند و به رکوع رود و سر بردارد و بدون این که حمد بخواند، قسمت دوم از همان سوره را بخواند و به رکوع رود و همین‌طور تا پیش از رکوع پنجم سوره را تمام نماید، مثلاً به قصد سوره قل هو الله احد، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» بگوید و به رکوع رود، بعد بایستد و بگوید: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» دوباره به رکوع رود و بعد از رکوع بایستد و بگوید: «اللَّهُ الصَّمَدُ» باز به رکوع رود و بایستد و بگوید: «لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ» و برود به رکوع باز هم سر بردارد و بگوید: «وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» و بعد از آن به رکوع پنجم رود و بعد از سر برداشتن، دو سجده کند و رکعت دوم را هم مثل رکعت اول به جا آورد و بعد از سجده دوم تشهد بخواند و نماز را سلام دهد.

(توضیح المسائل، م ۱۵۰۸ و تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۷۴، م ۹)

(امام خامنه‌ای) س: نماز آیات چگونه باید خوانده شود؟

ج: بعد از نیت و تکبیرة الاحرام، حمد و یک آیه یا کمتر (البته احتساب بسم‌الله به عنوان یک آیه خلاف احتیاط است) از سوره‌ای را قرائت کرده و رکوع کند، سپس سر از رکوع بردارد و آیه دیگری از آن سوره را بخواند و به رکوع رود، و بعد سر از رکوع برداشته و آیه دیگری از همان سوره را قرائت نماید و همین‌طور تا رکوع پنجم ادامه دهد تا سوره‌ای که پیش از هر رکوع، یک آیه از آن را قرائت کرده، قبل از رکوع آخر تمام شود. سپس رکوع پنجم را به‌جا آورد و به سجده رود، و پس از اتمام دو سجده، برای رکعت دوم قیام نماید و حمد و آیه‌ای از یک سوره را بخواند و به رکوع برود و همین‌طور مانند رکعت اول ادامه دهد تا تشهد بخواند و سلام دهد و چنانچه خواهد برای هر رکوعی به یک آیه از سوره‌ای اکتفا کند، نباید سوره حمد را بیش از یک مرتبه در اول آن رکعت بخواند.

(اجوبه‌الاستفتائات، س ۷۱۲)

نماز قضا

۱۰۹. پنجم از نمازهای واجب، نماز قضای پدر که بر پسر بزرگتر واجب است.

(توضیح المسائل، نمازهای واجب)

(امام خامنه‌ای) نمازهای قضای پدر و مادر بر پسر بزرگ آنان واجب است.

(استفتا، ۱۵۰)

نافله نماز

۱۱۰. نافله ظهر و عصر را در سفر نباید خواند، ولی نافله عشا را به نیت این‌که

شاید مطلوب باشد میتواند به‌جا آورد.

(توضیح المسائل، م ۷۶۷)

(امام خامنه‌ای) در سفر، نافله‌های ظهر و عصر و عشا ساقط است و نباید خوانده شود.

(استفتا، ۱۶۷)

روزه

۱۱۱. اگر نداند یا فراموش کند که ماه رمضان است و پیش از ظهر مُلتفت شود،

چنانچه کاری که روزه را باطل میکند انجام نداده باشد، باید نیت کند و روزه او صحیح است. و اگر کاری که روزه را باطل میکند انجام داده باشد، یا بعد از ظهر

ملتفت شود که ماه رمضان است روزه او باطل می‌باشد، ولی باید تا مغرب کاری که روزه را باطل می‌کند انجام ندهد و بعد از رمضان هم آن روزه را قضا نماید.

(توضیح المسائل، م ۱۵۶۱)

(امام خامنه‌ای) کسی که در ماه رمضان از روی فراموشی یا بیاطلاعی، نیت روزه نکرده و در اثنای روز ملتفت شد، در صورتی که کاری که روزه را باطل می‌کند انجام داده باشد، روزه‌ی آن روز باطل است ولی تا غروب^۳ از کارهای باطل کننده‌ی روزه خودداری کند. اما چنانچه تا هنگامی که ملتفت روزه می‌شود، کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد اگر بعد از ظهر است روزه باطل است، و اگر پیش از ظهر است، بنا بر احتیاط واجب باید نیت روزه کند و روزه بگیرد و بعداً نیز روزه‌ی آن روز را قضا کند.

(استفتا، روزه، ۷)

۱۱۲. کسی که برای به‌جا آوردن روزه می‌تی اجیر شده، اگر روزه مستحبی بگیرد اشکال ندارد. ولی کسی که روزه قضا یا روزه واجب دیگری دارد، نمیتواند روزه مستحبی بگیرد، و چنانچه فراموش کند و روزه مستحب بگیرد، در صورتیکه پیش از ظهر یادش بیاید، روزه مستحبی او به‌هم می‌خورد و میتواند نیت خود را به روزه واجب برگرداند و اگر بعد از ظهر ملتفت شود، روزه او باطل است و اگر بعد از مغرب یادش بیاید، روزه‌اش صحیح است گرچه بیاشکال نیست.

(توضیح المسائل، م ۱۵۶۳)

(امام خامنه‌ای) کسی که روزه‌ی قضا‌ی ماه رمضان بر او واجب است، نمیتواند روزه‌ی مستحبی بگیرد. و چنانچه فراموش کند و روزه‌ی مستحبی بگیرد در صورتی که در اثنای روز یادش بیاید روزه‌ی مستحبی او باطل می‌شود. حال اگر پیش از ظهر باشد میتواند نیت روزه‌ی قضا‌ی ماه رمضان کند و روزه‌اش درست است.

(استفتا، روزه، ۱۰)

۱۱۳. وقت نیت روزه مستحبی از اول شب است تا موقعی که به اندازه‌ی نیت کردن به مغرب وقت مانده باشد، که اگر تا این وقت کاری که روزه را باطل می‌کند

۳. غروب شرعی که وقت اذان مغرب است.

انجام نداده باشد و نیت روزهی مستحبی کند، روزه او صحیح است.

(توضیح المسائل، م ۱۵۵۳)

(امام خامنه‌ای) در روزه‌های مستحب و نیز روزه‌های واجب غیر معین که وجوب آن مخصوص به روز معینی نیست اگر تصمیم بر قطع روزه بگیرد ولی کاری که روزه را باطل می‌کند از او سر نزند و بعداً دوباره تا پیش از ظهر - و در مستحب تا غروب - نیت روزه کند، روزه او صحیح است.

(استفتا، روزه، ۱۵)

۱۱۴. اگر مریض پیش از ظهر ماه رمضان خوب شود و از اذان صبح تا آن وقت کاری که روزه را باطل میکند انجام نداده باشد، باید نیت روزه کند و آن روز را روزه بگیرد و چنانچه بعد از ظهر خوب شود، روزه آن روز بر او واجب نیست.

(توضیح المسائل، م ۱۵۶۷)

(امام خامنه‌ای) اگر مریض در اثنای روز ماه رمضان خوب شود، واجب نیست که نیت روزه کند و آن روز را روزه بگیرد، ولی اگر پیش از ظهر باشد و کاری که روزه را باطل میکند از او سر نزده باشد احتیاط مستحب آن است که نیت روزه کند و روزه بگیرد و پس از ماه رمضان باید آن روز را قضا کند.

(استفتا، روزه، ۱۱)

۱۱۵. اگر در روزه واجب معینی مثل روزه رمضان از نیت روزه گرفتن برگردد روزه‌اش باطل است، هرچند پیش از ظهر دوباره قصد روزه کند، و نیز اگر نسبت به ادامه روزه دچار تردید شود. ولی چنانچه نیت کند که چیزی را که روزه را باطل میکند به‌جا آورد در صورتی که آن را انجام ندهد روزه‌اش باطل نمیشود.

(تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الصوم، القول فی النیة، ص ۲۵۵، م ۸ و توضیح المسائل، م ۱۵۷۰)

(امام خامنه‌ای) در روزهی ماه رمضان اگر در اثنای روز از نیت روزه گرفتن برگردد به‌طوری که قصد ادامه‌ی روزه نداشته باشد، روزه‌اش باطل میشود و قصد دوباره‌ی او برای ادامه‌ی روزه فایده ندارد. اما اگر دچار تردید شود به این معنی که هنوز تصمیم نگرفته است روزه را باطل کند، یا تصمیم بگیرد کاری را که موجب باطل شدن روزه است صورت دهد و هنوز آن را انجام نداده است، در این دو صورت، صحت روزه‌ی او محل اشکال است. و احتیاط واجب آن است که روزه را تمام کند و بعداً هم آن را قضا نماید. هر روزه‌ی واجب معین دیگر -

مانند نذر معین و امثال آن - نیز دارای همین حکم است.

(اجوبه استفتائات، س ۷۵۸)

۱۱۶. کسی که خودش روزه قضای ماه رمضان دارد، جایز نیست بعد از زوال افطار کند... اما افطار کردن قبل از زوال - هرچند روزه قضای ماه رمضان از خودش باشد - مانع ندارد؛ مگر آن که با نذر یا اجاره و مانند آن متعین شده باشد یا وقت روزهی قضا تا ماه رمضان تنگ باشد، اگر قائل به عدم جواز تأخیر انداختن تا ماه رمضان باشیم همان گونه که مشهور و منصور است.

(العروة الوثقی، ج ۲، کتاب الصوم، فی أحكام القضاء، م ۲۷)

(امام خامنه‌ای) کسی که قضای روزهی ماه رمضان را می‌گیرد در صورتی که وقت قضای او تنگ نباشد می‌تواند پیش از ظهر روزهی خود را باطل کند، و اگر وقت تنگ است یعنی فقط به عدد روزه‌های قضا تا ماه رمضان آینده وقت دارد، احتیاط آن است که روزه را در پیش از ظهر هم باطل نکند.

(استفتا، روزه، ۸۷)

رؤیت هلال

۱۱۷. رؤیت هلال با وسایل مستحدثه اعتبار ندارد؛ پس اگر با بعضی از وسایل بزرگ‌کننده یا نزدیک‌آورنده مانند تلسکوپ مثلاً ببیند، ولی بدون وسیله، هلال، قابل رؤیت نباشد، حکم به اول ماه نمیشود. پس معیار رؤیت با چشم، بدون وسیله نزدیک‌آورنده یا بزرگ‌کننده است. البته اگر با وسیله‌ای آن را ببیند و جای آن را بداند سپس با چشم - بدون وسیله - آن را رؤیت نماید، حکم به اول ماه میشود.

(تحریرالوسیله، ج ۲، المسائل المستحدثه، مسائل الصلاة و الصوم، ص ۵۷۴، م ۱۸)

(امام خامنه‌ای) س: آیا رؤیت تصویر هلال ماه با استفاده از دوربین CCD و انعکاس نور و بازخوانی اطلاعات ضبط شده توسط رایانه، برای اثبات اول ماه کفایت میکند؟
ج. رؤیت با وسیله، فرقی با رؤیت به طریق عادی ندارد و معتبر است. ملاک آن است که عنوان رؤیت محفوظ باشد. پس رؤیت با چشم و با عینک و با تلسکوپ محکوم به حکم واحدند. اما در مورد انعکاس به رایانه که در آن صدق عنوان رؤیت معلوم نیست، محل اشکال است.

(اجوبه استفتائات، س ۸۳۵)

مبطلات روزه

۱۱۸. احتیاط واجب آن است که روزه‌دار از استعمال آمپولی که به جای غذا به کار می‌رود خودداری کند، ولی تزریق آمپولی که عضو را بیحس میکند یا به جای دوا استعمال می‌شود اشکال ندارد.

(توضیح المسائل، م ۱۵۷۶)

(امام خامنه‌ای) احتیاط واجب آن است که روزه‌دار از استعمال آمپول‌های مقوی یا مغذی، و هر آمپولی که در رگ تزریق می‌شود و نیز انواع سرم‌ها خودداری کند، لکن آمپول‌های دارویی که در عضله تزریق می‌شود و نیز آمپول‌هایی که برای بیحس کردن به کار می‌رود، مانعی ندارد.

(اجوبه الاستفتائات، س ۷۶۷)

۱۱۹. احتیاط واجب آن است که روزه‌دار دود سیگار و تنباکو و مانند این‌ها را هم به حلق نرساند. ولی بخار غلیظ، روزه را باطل نمی‌کند، مگر این‌که در دهان به صورت آب درآید و فرو دهد.

(توضیح المسائل، م ۱۶۰۵)

(امام خامنه‌ای) احتیاط واجب آن است که روزه‌دار از دودهای انواع دخانیات و نیز مواد مخدّری که از راه بینی یا زیر زبان جذب می‌شود خودداری کند.

(اجوبه الاستفتائات، س ۷۶۰)

۱۲۰. رساندن غبار غلیظ به حلق روزه را باطل می‌کند چه غبار چیزی باشد که خوردن آن حلال است مثل آرد، یا غبار چیزی باشد که خوردن آن حرام است.

(توضیح المسائل، م ۱۶۰۳)

(امام خامنه‌ای) روزه‌دار بنا بر احتیاط واجب باید غبار غلیظ را - مانند غباری که از جارو کردن زمین خاکی بر می‌خیزد - فرو ندهد، همچنین دود سیگار و دیگر دخانیات بنا بر احتیاط واجب روزه را باطل می‌کند.

(استفتا، روزه، ۳۲)

۱۲۱. اگر روزه‌دار به گفتن یا به نوشتن یا به اشاره و مانند این‌ها به خدا و پیغمبر (صلی‌الله علیه و آله و سلّم) و جانشینان آن حضرت عمداً نسبت دروغ بدهد اگرچه فوراً بگوید دروغ گفتم یا توبه کند، روزه او باطل است و احتیاط واجب آن است که

حضرت زهرا (علیهاالسلام) و سایر پیغمبران و جانشینان آنان هم در این حکم فرقی ندارند.

(توضیح المسائل، م ۱۵۹۶)

(امام خامنه‌ای) دروغ بستن به خدا و پیامبران و معصومین (علیهم‌السلام) بنا بر احتیاط، موجب باطل شدن روزه میشود، هرچند بعداً توبه کند و بگوید که دروغ بسته است.

(استفتا، روزه، ۳۰)

۱۲۲. اگر بخواهد خبری را که نمیداند راست است یا دروغ نقل کند بنا بر احتیاط واجب باید از کسی که آن خبر را گفته، یا از کتابی که آن خبر در آن نوشته شده نقل نماید لکن اگر خودش هم خبر بدهد روزه‌اش باطل نمیشود.

(توضیح المسائل، م ۱۵۹۷)

(امام خامنه‌ای) نقل روایاتی که در کتب آمده است و انسان نمیداند که دروغ باشد، اشکال ندارد. هرچند احتیاط آن است که آن‌ها را با نسبت به آن کتاب نقل کند.

(استفتا، روزه، ۳۱)

۱۲۳. اگر در روزه رمضان عمداً قی کند، فقط باید قضای آن روز را بگیرد.

(توضیح المسائل، م ۱۶۵۸)

(امام خامنه‌ای) قی موجب کفاره است.

(مستفاد از استفتا، روزه، ۵۳)

مسافرت در ماه رمضان

۱۲۴. مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد. ولی اگر برای فرار از روزه باشد مکروه

است.

(توضیح المسائل، م ۱۷۱۵)

(امام خامنه‌ای) مسافرت در ماه رمضان هرچند برای فرار از روزه باشد جایز است. البته بهتر است به سفر نرود مگر این که سفر برای کار نیکو یا لازمی باشد.

(استفتا، روزه، ۹۶)

قضا و کفاره روزه

۱۲۵. کسی که کفاره روزه رمضان بر او واجب است باید یک بنده آزاد کند یا دو

ماه روزه بگیرد یا شصت فقیر را سیر کند یا به هر کدام یک مُدّ - که تقریباً ده سیر

است - طعام یعنی گندم یا جو و مانند این‌ها بدهد، و چنانچه این‌ها برایش ممکن نباشد، هر چند مدّ که میتواند به فقرا طعام بدهد و اگر نتواند طعام بدهد باید استغفار کند، اگرچه مثلاً یک مرتبه بگوید «أَسْتَغْفِرُالله»، و احتیاط واجب در فرض اخیر آن است که هر وقت بتواند، کفّاره را بدهد.

(توضیح المسائل، م ۱۶۶۰)

(امام خامنه‌ای) کفاره افطار عمدی روزه عبارت است از شصت روز روزه یا اطعام شصت فقیر یا دادن شصت مدّ طعام به شصت مسکین که سهم هر کدام یک مدّ است و چنانچه قدرت بر روزه دو ماه و یا اطعام شصت مسکین برای هر روز نداشته باشد، باید به هر تعداد فقیر که قادر است، غذا بدهد و احتیاط آن است که استغفار نیز بکند. و اگر به هیچ وجه قادر بر دادن غذا به فقرا نیست فقط کافی است که استغفار کند، یعنی با دل و زبان بگوید «أَسْتَغْفِرُالله» (از خداوند بخشایش میطلبم).

کسی که به خاطر عدم توانایی بر روزه و غذا دادن به فقیر، وظیفه‌اش استغفار است، اگر بعدها تمکّن پیدا کرد که روزه بگیرد یا به فقرا غذا دهد، انجام کفّاره لازم نیست گرچه احتیاط مستحب آن است که انجام داده شود.

(اجوبه الاستفتائات، س ۸۱۱ و ۸۱۲ و ۸۱۴)

۱۲۶. کسی که قضای روزه ماه رمضان را گرفته، اگر بعد از ظهر عمداً کاری که روزه را باطل میکند انجام دهد، باید به ده فقیر هر کدام یک مدّ - که تقریباً ده سیر است - طعام بدهد و اگر نمیتواند بنا بر احتیاط واجب باید سه روز پیدری روزه بگیرد.

(توضیح المسائل، م ۱۶۸۷)

(امام خامنه‌ای) کسی که برای قضای ماه رمضان روزه گرفته، اگر بعد از ظهر عمداً روزه‌ی خود را باطل کند باید ده فقیر را غذا بدهد و اگر نمی‌تواند سه روز روزه بگیرد.

(استفتا، روزه، ۷۲)

۱۲۷. در چند صورت فقط قضای روزه بر انسان واجب است، و کفّاره واجب نیست:

...

پنجم: آن که در ماه رمضان بدون این که تحقیق کند صبح شده یا نه، کاری که روزه را باطل میکند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده، و نیز اگر بعد از تحقیق با

این که گمان دارد صبح شده، کاری که روزه را باطل میکند انجام دهد بعد معلوم شود صبح بوده قضای آن روزه بر او واجب است، ولی اگر بعد از تحقیق گمان یا یقین کند که صبح نشده و چیزی بخورد و بعد معلوم شود صبح بوده قضا واجب نیست بلکه اگر بعد از تحقیق شک کند که صبح شده یا نه و کاری که روزه را باطل میکند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده، قضا واجب نیست.

(توضیح المسائل، م ۱۶۸۸)

(امام خامنه‌ای) اگر در سحر ماه رمضان بدون این که تحقیق کند صبح شده یا نه، کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، سپس معلوم شود که در آن هنگام صبح شده بوده است، باید قضای آن روز را بگیرد. ولی اگر تحقیق کند و بداند که صبح نشده و چیزی بخورد و بعد معلوم شود که صبح بوده است، قضای آن روز بر او واجب نیست.

(استفتا، روزه، ۷۵)

۱۲۸. اگر به چیز حرامی روزه خود را باطل کند، چه آن چیز اصلاً حرام باشد مثل شراب و زنا، یا به جهتی حرام شده باشد، مثل نزدیکی کردن با عیال خود در حال حیض، بنا بر احتیاط کفارہ جمع بر او واجب میشود یعنی باید یک بنده آزاد کند و دو ماه روزه بگیرد و شصت فقیر را سیر کند، یا به هر کدام آن‌ها یک مدّ - که تقریباً ده سیر است - گندم یا جو یا نان و مانند این‌ها بدهد، و چنانچه هر سه برایش ممکن نباشد، هر کدام آن‌ها که ممکن است باید انجام دهد.

(توضیح المسائل، م ۱۶۶۵)

(امام خامنه‌ای) اگر کسی با آمیزش جنسی حرام یا خوردن و نوشیدن حرام، روزه خود را در ماه رمضان بشکند، بنا بر احتیاط هر سه کفارہ (آزاد کردن برده، شصت روز روزه، غذا دادن به شصت فقیر) با هم بر او واجب میشود. و اگر هر سه برایش ممکن نباشد هر کدام را که ممکن است باید ادا کند. اگرچه واجب نبودن این احتیاط بعید نیست.

(استفتا، روزه، ۶۳)

۱۲۹. اگر روزه‌دار در یک روز ماه رمضان چند مرتبه جماع کند، یک کفارہ بر او واجب است ولی اگر جماع او حرام باشد یک کفارہ جمع واجب میشود.

اگر روزه‌دار در یک روز ماه رمضان چند مرتبه غیر جماع کار دیگری که روزه را

باطل میکنند انجام دهد، برای همه آنها یک کفّاره کافی است.

(توضیح المسائل، م ۱۶۶۷ و ۱۶۶۸)

(امام خامنه‌ای) اگر روزه‌دار، کاری را که باطل کننده روزه است، در یک روز بیش از یکبار انجام دهد، فقط یک کفّاره بر او واجب میشود، بلی اگر این کار آمیزش جنسی یا استمنا باشد احتیاط واجب آن است که به عدد دفعات آمیزش جنسی یا استمنا کفّاره بدهد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۹۴)

۱۳۰. کسی که عمداً روزه خود را باطل کرده، اگر بعد از ظهر مسافرت کند، یا پیش از ظهر برای فرار از کفّاره سفر نماید، کفّاره از او ساقط نمیشود، بلکه اگر قبل از ظهر مسافرتی برای او پیش‌آمد کند، بنا بر احتیاط کفّاره بر او واجب است.

(توضیح المسائل، م ۱۶۷۴)

(امام خامنه‌ای) کسی که عمداً روزه خود را باطل کرده اگر پس از آن به سفر برود، کفّاره از او ساقط نمیشود.

(استفتا، روزه، ۶۸)

۱۳۱. اگر برای عذری چند روز روزه نگیرد و بعد شک کند که چه وقت عذر او برطرف شده میتواند مقدار کمتر را که احتمال میدهد روزه نگرفته، قضا نماید. مثلاً کسی که پیش از ماه رمضان مسافرت کرده و نمیداند پنجم رمضان از سفر برگشته یا ششم، میتواند پنج روز روزه بگیرد و نیز کسی هم که نمیداند چه وقت عذر برایش پیدا شده، میتواند مقدار کمتر را قضا نماید، مثلاً اگر در آخرهای ماه رمضان مسافرت کند و بعد از رمضان برگردد و نداند که بیست و پنجم مسافرت کرده یا بیست و ششم، میتواند مقدار کمتر یعنی پنج روز را قضا کند.

(توضیح المسائل، م ۱۶۹۷)

(امام خامنه‌ای) کسی که چند روز از ماه رمضان را به‌خاطر عذری روزه نگرفته، و تعداد آن روزها را نمیداند مثلاً نمیداند که آیا در روز بیست و پنجم ماه رمضان به سفر رفته تا روزهایی که از او فوت شده مثلاً شش روز باشد یا در روز بیست و ششم رفته که پنج روز باشد، میتواند مقدار کمتر را قضا کند و اما در صورتی که هنگام شروع عذر (مثلاً سفر) را میداند، مثلاً میداند که در روز پنجم ماه به سفر رفته ولی نمیداند که در شب دهم برگشته تا پنج روز فوت شده باشد یا شب یازدهم برگشته تا شش روز فوت شده باشد، در این صورت احتیاط آن

است که مقدار بیشتر را قضا کند.

(استفتا، روزه، ۸۵)

۱۳۲. اگر به واسطه ندانستن مسأله کاری انجام دهد که روزه را باطل میکند، چنانچه میتوانسته مسأله را یاد بگیرد بنا بر احتیاط واجب کفاره بر او ثابت میشود و اگر نمیتوانسته مسأله یاد بگیرد یا اصلاً مُلتفت مسأله نبوده یا یقین داشته که فلان چیز روزه را باطل نمیکند، کفاره بر او واجب نیست.

(توضیح المسائل، م ۱۶۵۹)

(امام خامنه‌ای) اگر به سبب بیاطلاعی از حکم شرعی، کاری را انجام دهد که روزه را باطل میکند - مثل این که نمیدانست خوردن دارو نیز مانند سایر خوردنیها روزه را باطل میکند و در روز ماه رمضان دارو خورد - روزه‌اش باطل است و باید آن را قضا کند ولی کفاره بر او واجب نیست.

(اجوبه الاستفتائات، س ۸۱۷)

۱۳۳. اگر از چند ماه رمضان روزه قضا داشته باشد، قضای هر کدام را که اول بگیرد مانعی ندارد. ولی اگر وقت قضای رمضان آخر تنگ باشد، مثلاً پنج روز از رمضان آخر قضا داشته باشد و پنج روز هم به رمضان مانده باشد [بنا بر احتیاط واجب] باید اول، قضای رمضان آخر را بگیرد.

(توضیح المسائل، م ۱۶۹۸ و تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۷۲، م ۶)

(امام خامنه‌ای) اگر از چند ماه رمضان روزه‌ی قضا داشته باشد، قضای هر کدام را که اول بگیرد مانع ندارد، ولی اگر وقت قضای آخرین ماه رمضان تنگ باشد، مثلاً پنج روز از رمضان آخر قضا داشته باشد و پنج روز هم به ماه رمضان باقی مانده باشد در این صورت احتیاط آن است که قضای رمضان آخر را بگیرد.

(استفتا، روزه، ۸۶)

روزه قضای پدر و مادر

۱۳۴. اگر پدر نماز و روزه خود را به‌جا نیاورده باشد، چنانچه از روی نافرمانی ترک نکرده و میتوانسته قضا کند، بر پسر بزرگتر واجب است که بعد از مرگش به‌جا آورد یا برای او اجیر بگیرد ولی اگر از روی نافرمانی ترک کرده باشد واجب نیست که پسر بزرگتر قضا نماید یا برای او اجیر بگیرد، هر چند احتیاط مستحب مؤکد است که در

این فرض نیز قضا نماید یا برای او اجیر بگیرد.

(تحریرالوسیله، ج ۱، القول فی قضاء صوم شهر رمضان، ص ۲۷۳، م ۱۳)

(امام خامنه‌ای) اگر پدر و نیز بنا بر احتیاط واجب مادر، روزه خود را به‌خاطر عذری - غیر از سفر - به‌جای نیاورده و با این‌که می‌توانسته آن را قضا کند، قضا نیز نکرده است بر پسر بزرگتر آنان واجب است که پس از مرگ آنان خودش یا به‌وسیله اجیر، قضای آن روزه را به‌جا بیاورد. و اما آن‌چه به‌خاطر سفر به‌جا نیاورده‌اند واجب است حتی در صورتی که فرصت و امکان قضا را هم نیافته‌اند، آن را قضا کند.

روزه‌هایی را که پدر و مادر عمداً به‌جا نیاورده‌اند بنا بر احتیاط باید به‌وسیله پسر بزرگتر - شخصاً یا با گرفتن اجیر - قضا شود.

(استفتا، روزه، ۹۳ و ۹۴)

نذر

۱۳۵. نذر زن بی‌اجازه شوهرش باطل است.

(توضیح المسائل، م ۲۶۵۴)

(امام خامنه‌ای) در صحت نذر زوجه در صورتی که شوهر او غایب باشد، اذن شوهر شرط نیست. ولی اگر حضور داشته باشد، احتیاط واجب آن است که از او اذن بگیرد. و اگر بدون اذن شوهر نذر کند، نذر او منعقد نمی‌شود.

(مناسک حج، م ۸۱)

۱۳۶. اگر انسان از روی اختیار به نذر خود عمل نکند باید کفاره بدهد یعنی یک

بنده آزاد کند یا به شصت فقیر طعام دهد یا دو ماه پیدرپی روزه بگیرد.

(تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الایمان والندور، ص ۱۰۹، م ۲۶ و ۲۸ و توضیح المسائل ۲۶۵۴)

(امام خامنه‌ای) کفاره‌ی نذر همان کفاره‌ی قسم است، یعنی: آزاد کردن بنده‌ای یا به ده فقیر طعام دادن یا پوشاندن آن‌ها و اگر هیچ‌کدام امکان نداشت سه روز روزه گرفتن.

(استفتا، روزه، ۶۶)

اعتکاف

۱۳۷. اعتکاف تنها در مسجد صحیح است، بنابراین اگر کسی در خانه خود یا در

تکیه، یا حسینیه یا در حرم معتکف شود صحیح نیست و از مساجد نیز تنها در این مساجد، اعتکاف صحیح است: مسجدالحرام، مسجدالنبی(صلی الله علیه وآله)، مسجد

جامع کوفه، مسجد بصره. و در مسجد جامع هر شهر به قصد رجاء^۴ میتوان مُعتکف شد و در سایر مساجد جایز نیست.

(تحریر الوسیله، ج ۱، الصوم، خاتمه فی الاعتکاف القول فی شروطه، ص ۲۷۹، الخامس)
(امام خامنه‌ای) س: خواهشمند است نظر مبارک خود را در خصوص اعتکاف در مساجد (جامع و غیر جامع) بیان فرمائید.
ج: رجائاً اشکال ندارد.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۸۵۰)

خمس

۱۳۸. س: اگر کسی خانه‌اش را بفروشد و خانه‌ای دیگر بخرد یا بسازد آیا پول خانه فروخته شده خمس دارد، اگرچه بر آن پول، سال نگذرد؟
ج: اگر خانه فروخته شده از ارباح مکاسب و حقوق و درآمد بدون دادن خمس تهیه شده، پول فروش آن فوراً خمس دارد.

(استفتاءات، ج ۱، ص ۳۶۵، س ۶۵)
(امام خامنه‌ای) س: اگر کسی خانه مسکونی خود را بفروشد برای آن که خانه‌ای دیگر بخرد یا بسازد، آیا پول خانه فروخته شده خمس دارد یا نه؟
ج: خانه چون از مؤونه^۵ بوده، پول فروش آن خمس ندارد، هرچند تا سر سال باقی بماند.
(منتخبی از استفتاءات، س ۴۶)

۱۳۹. س: اگر کسی خانه مسکونی خود را بفروشد در صورتی که آن را با پول مخمس خریده باشد آیا مازاد قیمت آن خمس دارد یا نه و اگر از ربح سال خریده است چه مقدار و در چه صورتی باید خمس بدهد؟
ج: اگر خانه را با ربح مخمس تهیه کرده است پول فروش آن خمس ندارد هرچند

۴. به قصد رجاء؛ یعنی به نیت مطلوب بودن و به امید پاداش و ثواب.

۵. آنچه در زندگی مورد نیاز است؛ مانند مسکن، پوشاک و لوازم منزل.

قیمت آن ترقی کرده باشد و چنانچه با درآمد کسب و حقوق بدون پرداختِ خمس، تهیه کرده است هرچند از مؤونه بوده تمام پول فروش آن بدون مراعات سر سال خمس دارد.

(استفتاءات، ج ۱، ص ۳۶۸، س ۷۲)

(امام خامنه‌ای) س: آیا به خانه‌ای که قبلاً با مالی که خمس آن داده نشده، ساخته شده، خمس تعلق میگیرد؟ بر فرض وجوب پرداخت خمس، آیا خمس براساس قیمت فعلی محاسبه میشود یا قیمت زمان ساخت آن؟

ج: اگر خانه از درآمد بین سال برای زندگی و سکونت ساخته شده و پس از سکونت در آن به فروش رفته است، پول فروش آن خمس ندارد، ولی اگر از درآمدی که سال بر آن گذشته، ساخته شده است، خمس پولی که در ساخت آن هزینه شده، باید پرداخت شود.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۸۸۰)

۱۴۰. اگر پول را چند سال نگاه دارد برای آن که خانه بخرد، از مؤونه حساب نمیشود و واجب است خمس آن را بپردازد.

(تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الخمس القول فیما يجب فيه الخمس، ص ۳۲۹، م ۱۷)

س: به پولی که انسان برای ازدواج یا تحصیل کنار میگذارد آیا خمس تعلق میگیرد یا خیر؟

ج: اگر از درآمد کسب باشد و سال بر آن بگذرد، خمس دارد.

(استفتاءات، ج ۱، ص ۳۵۲، س ۲۴)

(امام خامنه‌ای) س: شخصی خانه‌ای برای سکونت ندارد و برای خرید مسکن یا تهیه مایحتاج زندگی، مالی را پس انداز کرده است، آیا این مبلغ خمس دارد؟

ج: مال پس انداز شده از منفعت کسب اگر برای تأمین هزینه‌های زندگی باشد، سر سال خمسی خمس دارد، مگر این که پس انداز برای تهیه لوازم ضروری زندگی و یا تأمین هزینه‌های لازم باشد که در این صورت اگر بعد از سال خمسی در آینده نزدیک (تا چند روز) در راه‌های مذکور مصرف شود، خمس ندارد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۹۰۹)

چند استفتا از محضر رهبر معظم انقلاب (دام ظلّه) در مورد خمس

■ س: معمول است که برای اجاره‌ی خانه مقداری پول پیش پرداخت میکنند، اگر

این پول از منافع کسب باشد و چند سال در نزد صاحب‌خانه بماند، آیا پس از دریافت بلافاصله باید خمس آن پرداخت شود و در صورتی که بخواهد با همان پول در جای دیگر منزل اجاره کند، چه‌طور؟

ج: خمس تعلق می‌گیرد ولی اگر به این پول برای اجاره منزل نیاز دارد می‌تواند خمس آن را دست‌گردان کند و پس از رفع نیاز پرداخت نماید.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۸۷۹)

■ س: این‌جانب به تازگی از محل کارم بازخرید شده‌ام و برای بازخرید سنوات خدمتم مبلغ هفت میلیون تومان دریافت کرده‌ام و می‌خواهم این مبلغ را به حساب مسکن مهر که قبلاً ثبت‌نام کرده‌ام واریز نمایم، ولی احتمال می‌دهم تا نوبت بنده برسد سال تمام می‌شود و تا آن موقع پول پیش من خواهد ماند. حال با وجود این‌که بنده به غیر از این پول هیچ امکان دیگری برای واریز حق عضویت خود ندارم، آیا این مبلغ مشمول خمس می‌شود یا خیر؟

ج: مبلغ بازخرید خدمت، خمس ندارد هرچند سال بر آن بگذرد.
(استفتا، ۳۳۶۴)

■ س: حدود بیست سال قبل یک باب مغازه برای کسب و کارم خریده‌ام و سال خمسی نداشته‌ام. اکنون آیا خمس خرید کافی است یا باید خمس قیمت روز فروش پرداخت شود؟

ج: پرداخت خمس پول خرید مغازه کافی است (البته در مورد تنزل ارزش پول باید مصالحه شود)، ولی اگر مغازه را با عین پول غیرمخمس خریده باشید، تمام قیمت فعلی آن خمس دارد.
(استفتا، ۵۹۰۳۶)

■ س: آیا ترقی قیمت سوقیه که پس از فروش از ربح سال محسوب می‌شود، شامل اموالی که بدون معاوضه مالک شده از قبیل ارث، مهریه و هبه هم می‌شود یا خیر؟

ج: در مال موروث و موهوب و امثال آن اگر آن را سرمایه قرار داده باشد، ارتفاع قیمت سوقیه‌اش پس از فروش، بنا بر احتیاط واجب باید خمس داده شود.

(استفتا، ۸۹۰۶۰۱)

■ س: با توجه به اینکه خروج از مؤونه موجب تعلق خمس نمیگردد، آیا ترقی قیمت سوقیه اموالی را که مؤونه شده و پس از چند سال فروخته میشود، شامل میشود یا خیر؟

ج: مالی که از مؤونه خارج شده اگر سرمایهی کسب و تجارت شده، ترقی قیمت آن پس از فروش متعلق خمس است. ولی اگر قصد تجارت با آن ندارد تا وقتی آن را فروخته است، خمس ندارد، و اگر فروخت احتیاط آن است که خمس آن را بدهد، اگرچه عدم وجوب خمس بعید نیست.

(استفتا، ۸۹۰۶۰۱)

■ س: آیا مقداری که بر اثر تورّم بر قیمت اجناس افزوده میشود، جزء ترقی قیمت سوقیه محسوب میشود؟

ج: افزایش قیمت اگر ناشی از تورّم باشد یعنی ارزش پول، کم شده و همهی اجناس با پول بیشتر معامله میشوند، ترقی قیمت سوقیه محسوب نمیشود و احکام آن بر آن جاری نیست.

(استفتا، ۸۹۰۶۰۱)

■ س: اخیراً طی توافقی که سازمان حج و زیارت با بانک ملی ایران به عمل آورده، متقاضیان حج تمتّع با مراجعه به بانک، مبلغ یک میلیون تومان به صورت قرارداد مضاربه‌ای به نام خود به حسابی در بانک ملی واریز نموده، فیش آن را دریافت میدارند، این پول تا هنگام تشرّف به نام واریز کننده و در حساب شخصی او باقی میماند و طبق قرارداد مکتوب مبلغی به دارنده حساب در پایان هر سال منفعت مضاربه تعلق میگیرد. سازمان حج و زیارت فقط برای کسانی که زودتر ثبت نام کرده‌اند اولویت قائل شده و پس از حدود سه سال نوبت اشخاص را اعلام و در صورت تمایل آنها را به حج اعزام میدارد. زمان اعزام که فرا رسید واریز کننده، پولی را که در حساب مضاربه‌ای خود دارد از بانک اخذ و همراه با مانده هزینه‌ها به حساب حج و زیارت واریز مینماید و سپس به حج مشرف میشود. حال خواهشمند است با عنایت به این که قرارداد مذکور به صورت کتبی بوده و شفاهاً گفتگویی بین صاحب پول و بانک رد و بدل نمیشود. بفرمایید مبلغ درصدی که صاحب مال به عنوان منفعت

مضاربه دریافت میکند چه صورتی دارد؟

ج: عملیات بانکی به صورت قرارداد کتبی به نحو فوق‌الاشاره بیاشکال است و سود حاصله از معامله‌ی مضاربه‌ای برای سپرده‌گذار حلال است، و اصل سپرده اگر از درآمد کسب غیر مخمس بوده خمس دارد، و سود حاصله اگر پیش از سال عزیمت به سفر حج قابل وصول نبوده، جزو درآمد سال وصول محسوب است، که اگر در همان سال هزینه‌ی سفر حج شود خمس ندارد.

(اجوبه الاستفتائات، س ۹۷۳)

حج

در احکام حج و عمره نیز تفاوت‌هایی بین فتاوی حضرت امام خمینی (قدس سرّه) و آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (دامت برکاته) وجود دارد که در «مناسک حج» آمده و جداگانه چاپ و منتشر شده است.

از آن جا که آن مسائل تنها برای زائران بیت الله الحرام مورد نیاز است، در این نوشته به برخی مسائل استطاعت و نیابت بسنده کردیم.

استطاعت

۱۴۱. شرط است در استطاعت، رجوع به کفایت، یعنی بعد از برگشت از حج، تجارت یا زراعت یا صنعت یا منفعت ملک؛ مثل باغ و دکان داشته باشد به طوری که برای زندگانی به شدت و حرّج نیفتد و اگر قدرت بر کسب لایق به حالش هم داشته باشد کافی است، و اگر بعد از مراجعت نیاز به مثل زکات و خمس و سایر وجوه شرعیّه داشته باشد، کفایت نمیکند، بنابراین بر طلاب و اهل علمی که در بازگشت از حج نیاز به شهریه حوزه‌های علمیّه دارند، حج واجب نیست.

(مناسک حج، م ۴۰)

(امام خامنه‌ای) طلاب علوم دینی اگر بعد از مراجعت از حج، زندگی آنان با شهریه حوزه‌های علوم دینی اداره یا تکمیل میشود، کافی است.

(مناسک حج، م ۲۷)

۱۴۲. اگر غیر مستطیع، مصارف حج را قرض کند، مستطیع نمیشود هر چند بتواند بعداً به سهولت قرض را ادا کند و اگر با آن حج به جا آورد از حَجَّةِ الاسلام کفایت

نمیکنند.

(مناسک حج، م ۲۰)

(امام خامنه‌ای) کسی که هزینه‌ی رفتن به حج را در اختیار ندارد، اما میتواند قرض بگیرد و سپس به سادگی قرض خود را ادا کند، واجب نیست که خود را با قرض گرفتن مستطیع کند، اما اگر بگیرد، حج بر او واجب میشود.

(مناسک حج، م ۱۳)

۱۴۳. کسی که برای حج نیابتی، اجیر شده و بعد در همان سال استطاعت مالی پیدا کرده، چنانچه برای حج در آن سال اجیر شده باشد، باید حج نیابتی را به‌جا آورد و اگر استطاعت او باقی ماند، حج خودش را در سال بعد، انجام دهد.

(مناسک حج، م ۵۶)

(امام خامنه‌ای) کسی که استطاعت مالی ندارد، اگر برای نیابت از دیگری اجیر شود و سپس بعد از عقد اجاره به‌واسطه‌ی مالی غیر از مال‌الاجاره مستطیع شود، باید در آن سال حج را برای خود انجام دهد و اگر عقد اجاره او برای همین سال بوده، اجاره باطل است، و در غیر این صورت، باید حج استیجاری را در سال بعد به‌جا آورد.

(مناسک حج، م ۳۶)

۱۴۴. اگر در سالی که استطاعت مالی دارد از جهت صحت بدن یا باز بودن راه استطاعت ندارد و در سال‌های دیگر از آن جهات استطاعت پیدا میکند، میتواند در مال تصرف کند و خود را از استطاعت خارج نماید.

(مناسک حج، م ۲۴)

(امام خامنه‌ای) کسی که مستطیع شده، نمیتواند بعد از رسیدن زمانی که باید مال را برای رفتن به حج صرف کند، خود را از استطاعت خارج نماید. بلکه احتیاط واجب آن است که قبل از آن زمان نیز خود را از استطاعت خارج نکند.

(مناسک حج، م ۳۲)

نیابت

۱۴۵. س: فردی پس از استطاعت مالی، برای حج اسم‌نویسی کرد و برای دو سال بعد اسمش در آمد، ولی چند ماه قبل از حرکت فوت کرد در حالی که پسرش را نایب قرارداد داده بود که برای او حج به‌جا آورد، در حالی که پسر، خود استطاعت مالی داشته

ولی در اسم‌نویسی مسامحه کرده و ننوشته است، در صورتی که اگر اسم مینوشت، شاید در همان سال اوّل قرعه به نامش در میآمد و شاید هم سال‌های بعد، اکنون پسر به مدینه آمده به عنوان نیابت حج بلدی از جانب پدر، و هنوز مُحرم نشده، چه وظیفه‌ای دارد؟

ج: در فرض مرقوم نیابت صحیح نیست و باید برای خودش حج نماید.

(مناسک حج، م ۱۴۶)

(امام خامنه‌ای) اگر راه با فیش مورد وصیت برای پسر باز شده و یا این که ورثه فیش را به یکی از فرزندان بدهند که به نیابت پدر به حج برود باید حج را به نیابت از پدر به‌جا آورد و چنانچه وصیتی نبوده و از او خواسته نشده که نیابت کند باید برای خودش حج به‌جا آورد و برای پدر نایب بگیرد.

(استفتا)

۱۴۶. س: نایبی که در وقت قبول نیابت برای حج معذور نبوده است، و بعد از عقد اجاره در موقع عمل یا قبل از مُحرم شدن جزء معذورین شده و در هر عذری که پیش آمده طبق وظیفه معذورین رفتار نمود آیا حج او از مَنوب عنه کافی است؟ و آیا نسبت به نحوه عذر فرقی هست یا نه؟

ج: محل اشکال است.

(مناسک حج، م ۱۵۹)

(امام خامنه‌ای) نایبی که در وقت قبول نیابت برای حج معذور نبوده است لکن بعد از عقد اجاره در موقع عمل یا قبل از مُحرم شدن جزء معذورین شده، اگر عذر او منجر به نقص بعضی از اعمال حج نشود، نیابت او صحیح است، مثل این که در ارتکاب بعضی از تروک احرام معذور شود ولی اگر عذر منجر به نقص در اعمال حج شود، بطلان اجاره در این صورت بعید نیست و احوط مصالحه بین نایب و مَنوب عنه در اجرت و اعاده عمره و حج برای مَنوب عنه میباشد.

(مناسک حج، م ۵۷ و ۵۸)

نگاه

۱۴۷. از نگاه و لمس موی جدا شده زن نامحرم بنا بر احتیاط واجب اجتناب شود.

(تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، ص ۲۱۷ و ۲۱۸، م ۲۰ و ۲۱)

(امام خامنه‌ای) ظاهراً اشکال ندارد، هر چند احتیاط مستحب است لمس نکنند.
(استفتا، ۸۰۰۹۹)

نکاح

۱۴۸. ازدواج با مجوسیّه بنا بر اقوی حرام است.

(تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۵۵، م ۱)

(امام خامنه‌ای) نکاح انقطاعی با زنان زرتشتی، اشکال ندارد.

(استفتا، ۸۴۰۲۰۷)

مجسمه‌سازی

۱۴۹. س: در مسأله ۲۰۶۹ رساله توضیح المسائل فرموده‌اید: «خرید و فروش مجسمه و صابون یا چیزهای دیگری که روی آن مجسمه دارد اشکال ندارد.» مستدعی است بفرمایید ساختن مجسمه انسان و حیوانات با مواد پلاستیکی به صورت کاربکاتوری و غیر واقعی چه صورت دارد؟

ج: ساختن مجسمه ذی‌روح حرام است.

(استفتاءات، ج ۲، ص ۱۹، س ۵۰)

(امام خامنه‌ای) س: ساخت عروسک و مجسمه و نقاشی و ترسیم چهره موجودات زنده اعم از گیاهان، حیوانات و انسان چه حکمی دارد؟ خرید و فروش و نگهداری و ارائه آن‌ها در نمایشگاه چه حکمی دارد؟

ج: ساخت مجسمه و نقاشی و ترسیم چهره موجودات و لو ذی‌روح اشکال ندارد. همچنین خرید و فروش و نگهداری نقاشی و مجسمه جایز است و ارائه آن‌ها در نمایشگاه هم اشکال ندارد.

(اجوبه‌الاستفتاءات، س ۱۲۲۲)

ارث زوجه

۱۵۰. اگر مردی بمیرد و اولاد نداشته باشد، چهاریک مال او را زن و بقیه را ورثه دیگر می‌برند و اگر از آن زن یا از زن دیگر اولاد داشته باشد، هشت یک مال را زن و بقیه را ورثه دیگر می‌برند، و زن از همه اموال منقول ارث می‌برد ولی از زمین و قیمت آن ارث نمی‌برد و نیز از خود هوایی ارث نمی‌برد مثل بنا و درخت و فقط از قیمت

هوایی ارث میبرد.

(توضیح المسائل، م ۲۷۷)

(امام خامنه‌ای) زوجه خواه دارای فرزند از شوهرش باشد یا نباشد، از قیمت زمین - خواه زمین خانه یا مغازه یا زمین باغ یا مزرعه باشد - ارث می‌برد.

(استفتا، ۶۲۵۳۸)

چند استفتا از محضر مبارک آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (دام‌ظله)

۱. س: اگر چند سگّه بهار آزادی داشته باشم که به حدّ نصاب زکات برسد، آیا

پرداخت زکات آن واجب است؟ آیا اصلاً سگّه بهار آزادی زکات دارد یا خیر؟

ج: اگر سگّه بهار آزادی در موقعیت کنونی سگّه‌ی رایج معاملی محسوب نمی‌شود، زکات

ندارد.

(استفتا، ۵۵۲۱)

۲. س: منظور از موسیقی لهوی چیست؟ و راه تشخیص موسیقی لهوی از غیر آن

چیست؟

ج: موسیقی لهوی آن است که به سبب ویژگیهایی که دارد انسان را از خداوند متعال و

فضائل اخلاقی دور نموده و به سمت بیبندوباری و گناه سوق دهد و مرجع تشخیص موضوع عرف است.

(اجوبه‌الاستفتائات، س ۱۱۳۰)

۳. س: غنا چیست؟ آیا غنا فقط شامل صدای انسان است یا این که شامل

صداها حاصل از آلات موسیقی هم میشود؟

ج: غنا عبارت است از صدای انسان در صورتی که با ترجیع همراه بوده و مناسب مجالس

لهو و گناه باشد که خواندن به این صورت و گوش‌دادن به آن حرام است.

(اجوبه‌الاستفتائات، س ۱۱۳۳)

۴. س: خواهشمند است حکم آوازخوانی زنان در مجالس عروسی (غنا در شب

زفاف) را بیان فرمایید.

ج: در غنا و موسیقی حرام (که عبارت است از آواز لهوی مُضَلَّ عن سبیل الله) فرقی بین

عروسی و غیر آن نیست.

(استفتا، ۸۹۱۰۲۸)

۵. س: رقص زن در میان زنان یا محارم و همچنین مرد در میان مردان یا محارم در عروسیها چه حکمی دارد؟

ج: رقص مرد بنا بر احتیاط واجب حرام است و رقص زن برای زنان اگر عنوان لهو بر آن صدق کند مثل اینکه جلسه زنانه تبدیل به مجلس رقص شود محل اشکال است و احتیاط واجب در ترک آن است و در حکم فوق تفاوتی بین مجلس عروسی و غیر آن نیست.
(استفتا، ۸۹۱۰۲۸)

۶. س: مراجعه مؤمنین به بعضی از کسانی که از طریق تسخیر ارواح و جن اقدام به معالجه میکنند، با توجه به این که یقین دارند که آنها فقط کار خیر انجام میدهند چه حکمی دارد؟

ج: این کار فینفسه اشکال ندارد، مشروط بر این که از راههایی که شرعاً حلال هستند، اقدام شود.
(اجوبه الاستفتائات، س ۱۲۳۳)

۷. س: آیا هیپنوتیزم جایز است؟

ج: اگر به منظور غرض عقلایی و با رضایت کسی که میخواهد هیپنوتیزم شود صورت بگیرد و همراه با کار حرامی هم نباشد، اشکال ندارد.
(اجوبه الاستفتائات، س ۱۲۳۵)

۸. س: آیا تلقیح نطفه مردی اجنبی به همسر مردی که بچه دار نمیشود، از طریق قرارداد نطفه در رحم او جایز است؟

ج: تلقیح زن از طریق نطفه مرد اجنبی فینفسه اشکال ندارد ولی باید از مقدمات حرام از قبیل نگاه و لمس حرام و غیر آنها اجتناب شود و به هر حال در صورتی که با این روش کودکی به دنیا بیاید، ملحق به شوهر آن زن نمیشود بلکه ملحق به صاحب نطفه و به زنی است که صاحب رحم و تخمک است.
(اجوبه الاستفتائات، س ۱۲۷۵)

۹. س: اگر جنین تشکیل شده از یک زوج را در رحم زن اجنبی بکارند حکم شرعی آن چه خواهد بود؟ لطفاً احکام وضعی مسأله را هم بیان فرمایید.

ج: این عمل فی نفسه اشکال ندارد هر چند باید از لمس و نظر حرام اجتناب شود و فرزند

ملحق به مرد و زن صاحب نطفه است و نسبت به آنان و اقارب آنان محرمیت ثابت میشود و نسبت به زن صاحب رحم هم باید احتیاط شود؛ البته اگر به مقدار مقرر شرعی - با رعایت شرایط آن - به بچه شیر دهد، محرمیت حاصل میشود.

(استفتا، ۵۵۳۴۵)

۱۰. س: انجام عمل جراحی برای الحاق فرد خنثی به زن یا مرد چه حکمی دارد؟

ج: این کار فینفسه اشکال ندارد، ولی واجب است از مقدمات حرام پرهیز شود.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۲۸۰)

۱۱. ۱. آیا برای زنی که سالم است، جلوگیری از بارداری به طور موقت از طریق

به کارگیری وسایل و موادی که از انعقاد نطفه جلوگیری میکنند، جایز است؟

۲. استفاده از یکی از دستگاه‌های جلوگیری از بارداری که چگونگی جلوگیری از

حاملگی توسط آن تا به امروز معلوم نشده، ولی به عنوان وسیله‌ای برای جلوگیری از

بارداری شناخته شده است، چه حکمی دارد؟

۳. آیا جلوگیری دائم از حاملگی برای زنی که از خطر بارداری خوف دارد، جایز

است؟

۴. آیا جلوگیری دائمی از بارداری برای زنانی که زمینه مساعدی برای به دنیا

آوردن فرزندان معیوب یا مبتلا به بیماریهای ارثی جسمی و روانی دارند، جایز

است؟

ج: ۱. اگر با موافقت شوهر باشد، اشکال ندارد.

۲. اگر موجب از بین رفتن نطفه بعد از استقرار آن در رحم شود و یا مستلزم نگاه و لمس

حرام باشد، جایز نیست.

۳. جلوگیری از بارداری در فرض مذکور اشکال ندارد بلکه اگر حاملگی برای حیات مادر

خطر داشته باشد، باردار شدن به طور اختیاری جایز نیست.

۴. اگر با یک غرض عقلایی صورت بگیرد و ضرر قابل توجهی هم نداشته باشد و با اجازه

شوهر باشد، اشکال ندارد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۲۵۵)

۱۲. س: بستن لوله‌های منی مرد برای جلوگیری از افزایش جمعیت چه حکمی

دارد؟

ج: اگر این کار با یک غرض عقلایی صورت بگیرد و ضرر قابل ملاحظه‌ای هم نداشته باشد، فینفسه اشکال ندارد.

(اجوبه‌الاستفتائات، س ۱۲۵۶)

۱۳. س: در مورد ازدواج دختران باکره که فرموده‌اید اذن پدر لازم است آیا این حکم فتوی است یا احتیاط؟

ج: اذن پدر در ازدواج دختر باکره به احتیاط واجب شرط است.

(استفتا، ۵۵۳۴۹)

۱۴. س: دختری که یکساله‌ای را به فرزندی قبول کردم حال به دنبال راه حلی هستیم که آن را محرم نمایم.

ج: می‌توانید آن دختر را با وجود مصلحت و اذن حاکم شرع به عقد موقت پدر خود درآورید.

(استفتا)

۱۵. س: آیا مهریه زن به نرخ فعلی است؟

ج: موارد مختلف است، اگر تفاوت قدرت خرید پول زیاد باشد باید تفاوت را بپردازد.

(استفتا، ۶۲۴۴۰)

۱۶. س: بعضی از افراد دچار ضایعات مغزی غیر قابل درمان و برگشت میشوند که بر اثر آن، همه فعالیت‌های مغزی آنان از بین رفته و به حالت اغمای کامل فرو میروند و همچنین فاقد تنفس و پاسخ به محرکات نوری و فیزیکی میشوند، در این گونه موارد احتمال بازگشت فعالیت‌های مذکور به وضع طبیعی کاملاً از بین می‌رود و ضربان خودکار قلب مریض باقی میماند که موقتاً است و به کمک دستگاه تنفس مصنوعی انجام می‌گیرد و این حالت به مدت چند ساعت و یا حداکثر چند روز ادامه پیدا می‌کند. وضعیت مزبور در علم پزشکی «مرگ مغزی» نامیده میشود که باعث فقدان و از دست رفتن هر نوع شعور و احساس و حرکت‌های ارادی می‌گردد و از طرفی بیماری وجود دارند که نجات جان آنان منوط به استفاده از اعضای مبتلایان به مرگ مغزی است، بنا بر این آیا استفاده از اعضای مبتلا به مرگ برای نجات جان بیماران دیگر جایز است؟

ج: اگر استفاده از اعضای بدن بیمارانی که در سؤال توصیف شده‌اند برای معالجه بیماران دیگر، باعث تسریع در مرگ و قطع حیات آنان شود جایز نیست، در غیر این صورت اگر عمل مزبور با اذن قبلی وی صورت بگیرد و یا نجات نفس محترمی متوقف بر آن عضو مورد نیاز باشد، اشکال ندارد.

(اجوبه‌الاستفتاءات، س ۱۲۹۲)

۱۷. س: علاقمند هستم اعضای خود را هدیه کرده و از بدن من بعد از مردنم استفاده شود و تمایل خود را هم به اطلاع مسئولین رسانده‌ام. آنان نیز از من خواسته‌اند که آن را در وصیت‌نامه خود نوشته و ورثه را هم از خواست خود آگاه کنم، آیا چنین حقی را دارم؟

ج: استفاده از اعضای میت برای پیوند به بدن شخص دیگر برای نجات جان او یا درمان بیماری وی اشکال ندارد و وصیت به این مطالب هم مانعی ندارد، مگر در اعضایی که برداشتن آنها از بدن میت، موجب صدق عنوان مثله باشد و یا عرفاً هتک حرمت میت محسوب شود.

(اجوبه‌الاستفتاءات، س ۱۲۹۳)

۱۸. س: آیا می‌توان با تشخیص قطعی بیماری در جنین‌هایی که دچار عیوب ژنتیک بوده یا مادر آنها در طی بارداری بر اثر ابتلا به بعضی بیماری‌های عفونی بیمار شده‌اند قبل از دمیده شدن روح سقط نمود؟

گفتنی است این کودکان از بدو تولد تا پایان عمر دائماً در وضع مشقت‌باری به سر خواهند برد و خانواده و جامعه نیز بهای گزافی را از نظر روانی و مادی باید به دوش بکشد؛ و امروزه با روش‌های بسیار جدید پزشکی تشخیص دقیق این بیماری را در ابتدای حاملگی مادر می‌توان داد.

ج: اگر نگهداری و بزرگ کردن طفل معلول و عقب‌مانده و ناقص‌الخلقه برای والدین دارای زحمت و مشقت بیش از متعارف باشد، به مقداری که در عسر و حرج واقع می‌شود، اسقاط جنین پیش از دمیده شدن روح در او مانعی ندارد.

(استفتاء، ۵۹۰۳۴)

۱۹. س: آیا جایز است مؤلفان و مترجمان و صاحبان آثار هنری، مبلغی را در برابر زحماتشان و یا به عنوان حق تألیف در مقابل تلاش و وقت و مالی که برای انجام آن

کار صرف کرده‌اند، تقاضا نمایند؟

ج: آنان حق دارند در برابر واگذاری نسخه اول یا اصلی اثر علمی و هنری خود به ناشر، از وی هر مبلغی میخواهند، دریافت نمایند.

(اجوبه‌الاستفتائات، س ۱۳۳۷)

۲۰. س: تجدید چاپ کتابها و مقاله‌هایی که از خارج وارد شده و یا در داخل

جمهوری اسلامی چاپ میشوند، بدون اجازه ناشران آنها چه حکمی دارد؟

ج: مسأله تجدید چاپ کتاب‌هایی که در خارج از جمهوری اسلامی منتشر شده‌اند و یا تصویربرداری به طریق افسست از آنها، تابع قراردادهایی است که راجع به آنها بین جمهوری اسلامی ایران و آن دولت‌ها منعقد گشته است. و اما کتاب‌هایی که در داخل چاپ میشوند، احوط این است که حق ناشر با کسب اجازه از او نسبت به تکرار و تجدید چاپ کتاب رعایت شود.

(اجوبه‌الاستفتائات، س ۱۳۳۶)

۲۱. س: آیا چاپ کتاب بدون اجازه صاحب آن و با وجود عبارت «حقوق چاپ برای

مؤلف محفوظ است»، جایز است؟

ج: احوط این است که حقوق مؤلف و ناشر با کسب اجازه از آنان برای تجدید چاپ، رعایت شود.

(اجوبه‌الاستفتائات، س ۱۳۴۱)

۲۲. س: آیا نسخه‌برداری از نرم‌افزارهای کامپیوتری جایز است؟ و بر فرض

حرمت، آیا این حکم مختص نرم‌افزارهایی است که در ایران تولید شده یا شامل نرم‌افزارهای خارجی هم میشود؟

ج: احوط این است که در نسخه‌برداری و تکثیر نرم‌افزارهای کامپیوتری که در داخل تولید شده است، حقوق صاحبانشان از طریق کسب اجازه از آنان رعایت شود و در مورد خارج کشور، تابع قرارداد است.

(اجوبه‌الاستفتائات، س ۱۳۴۳)

۲۳. س: آیا برای مسلمانان خرید کالاهای اسرائیلی که در سرزمین اسلامی به

فروش میرسند، جایز است؟

ج: بر آحاد مسلمین واجب است که از خرید و استفاده از کالاهایی که سود تولید و فروش

آن‌ها عاید صهیونیست‌ها که با اسلام و مسلمین در حال جنگ هستند، میشود، اجتناب کنند.
(اجوبه‌الاستفتاءات، س ۱۳۴۹)

۲۴. س: آیا در قسامه یک فرد میتواند پنجاه قسم بخورد؟

ج: در موارد قسامه هر جا که عدد سوگندخوردگان کمتر از پنجاه نفر باشد (در طرف مدعی) اجرای حکم به استناد این قسامه محل اشکال جدی است.
(استفتا، ۴۶۲۱۲)

۲۵. س: اگر در قتل عمد، همه اولیای دم مقتول، صغیر یا مجنون باشند، آیا ولیّ قهری (پدر یا جدّ پدری) یا قیّم انتخابی دادگاه، حق درخواست قصاص یا مطالبه دیه را دارند؟

ج: از مجموع ادلّه ولایت اولیای صغیر و مجنون چنین استفاده میشود که جعل ولایت برای آنان از طرف شارع مقدّس به‌خاطر حفظ مصلحت مولیّ علیه است. بنابراین در مسأله‌ی مورد بحث که اولیای دم، صغیر و مجنون میباشند ولیّ شرعی آنان باید با ملاحظه غبطه و مصلحت آنان اقدام کند و انتخاب او نسبت به قصاص یا دیه یا عفو مع‌العوض یا بلاعوض نافذ است. بدیهی است که تشخیص مصلحت صغیر و مجنون باید با ملاحظه همه جوانب و از جمله نزدیک یا دور بودن او از سنّ بلوغ صورت گیرد.
(استفتا، ۷۶۳۸۵)

۲۶. س: در بین مردم باب شده که تعدادی از افراد (مثلاً بیست نفر) ماهیانه هر کدام ده هزار تومان طبق قراردادی که همه آن را قبول کرده‌اند روی هم می‌گذارند و هر ماه به یکی از افراد به قید قرعه کل مبلغ را برای رفع گرفتاریهای مالی می‌دهند و فردی که پول را می‌گیرد همراهه همان ده هزار تومان را تا تمام شدن قسط می‌دهد و بقیه نیز به قید قرعه و نوبت پول را میگیرند و هیچ‌گونه سود و یا کارمزد به هیچ‌کسی تعلق نمی‌گیرد. لطفاً حکم شرعی این مسأله را بفرمایید.

ج: مشارکت در قرض دادن به اعضای صندوق به شرح فوق‌الذکر اشکال ندارد.
(استفتا، ۱۲۲۷)

(امام خامنه‌ای)

وقت مخصوص نماز ظهر، یعنی از اوّل ظهر به‌قدر چهار رکعت نماز خواندن برای غیر مسافر و به‌قدر دو رکعت برای مسافر .

[۲]. افرادی که چنین وضعیتی دارند، میتوانند با مراعات شرایط به فتوای مجتهد دیگر رجوع کنند.

[۳]. غروب شرعی که وقت اذان مغرب است.

[۴] به قصد رجاء؛ یعنی به نیت مطلوب بودن و به امید پاداش و ثواب.

[۵]. آن چه در زندگی مورد نیاز است؛ مانند مسکن، پوشاک و لوازم منزل.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.